


تلاشی در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس ✓
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه ✓
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی ✓
- دانلود نمونه سوالات امتحانی ✓
- مشاوره کنکور ✓
- فیلم های انگیزشی ✓

 www.ToranjBook.Net

 [ToranjBook_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۶ آبان ۱۴۰۱

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	سامان اسپهرم، محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، محمد حمیدی، احمدرضا ذاکرزاده، امیر زراندوز، جواد زنگنه قاسم آبادی، علی سرآبادانی، کورش شاهمنصوریان، علیرضا عبدی، سعید عزیزخانی، امیر محمودیان، رحیم مشتاق‌نظم، حامد نصیری
اقتصاد	نسرین جعفری، مائده حسنی، فاطمه حیاتی، سارا شریفی، مهدی ضیائی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، عزیز الیاسی پور، پوریا حسین پور، سیدعلیرضا علویان، سجاد غلام‌پور، فرهاد فروزان‌کیا، مجتبی فرهادی، کاظم کاظمی، یاسین مهدیان، سیدمحمد هاشمی
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، آرزیتا بیدقی، فاطمه صفری، ارغوان عبدالملکی، نگار غلامی
عربی زبان قرآن	نوید امساک، ولی برجی، امیر رضایی رنجبر، کاظم غلامی، مرتضی کاظم‌شیرودی، علی محسن‌زاده، سیدمحمدعلی مرتضوی، سیده محیا مؤمنی، پیروز وجان
تاریخ و جغرافیا	زهره دامیار، علیرضا رضایی، فاطمه سخایی، علی‌محمد کریمی، آزاده میرزایی، میلاد هوشیار
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، حسن صدری، فرهاد قاسمی‌نژاد، علیرضا نصیری
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، مهسا عفتی، فرهاد علی‌نژاد

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی، علی ارجمند	الهه شهبازی
اقتصاد	مهدی ضیایی	سارا شریفی	فاطمه صفری	زهره قموشی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان، سیدعلیرضا علویان، امیرحسین واحدی	فریبا رثوفی
جامعه‌شناسی	ارغوان عبدالملکی	ارغوان عبدالملکی	فاطمه صفری	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	نوید امساک	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی، اسماعیل علی‌پور	لیلا ایزدی
تاریخ	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	خدیجه
جغرافیا	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	جنت‌علی‌پور
منطق و فلسفه	سبا جعفرزاده صابری	نیما جواهری	فرهاد علی‌نژاد	زهره قموشی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	فرهاد علی‌نژاد، فاطمه صفری	

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	زهره دامیار
گروه مستندسازی	مدیر: مازیار شیروانی‌مقدم، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینه «۲»

(علی سرآبادانی)

رقم دهگان فقط یکی از اعداد $\{0, 2, 4, 6, 8\}$ است. سایر ارقام از بین ارقام فرد $\{1, 3, 5, 7, 9\}$ انتخاب می‌شود.

$$5 \times 4 \times 5 \times 3 = 300$$

$$\left. \begin{matrix} 0 \\ 2 \\ 4 \\ 6 \\ 8 \end{matrix} \right\}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱ تا ۸)

۲- گزینه «۲»

(مامر نصیری)

ابتدا حاصل هر یک از عبارات را جداگانه حساب می‌کنیم:

$$0! = 1 \Rightarrow (0! + 0! + 0!)! = (1 + 1 + 1)! = 3! = 3 \times 2 \times 1 = 6$$

$$2! = 2 \Rightarrow ((2!)^2)! = (2^2)! = 4! = 4 \times 3 \times 2 \times 1 = 24$$

$$3! = 3 \times 2 \times 1 = 6$$

$$\text{جواب} = 6 + 24 \times 6 = 6 + 144 = 150$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۵ و ۶)

۳- گزینه «۴»

(سامان اسپهر)

تعداد کلماتی که در آن‌ها M و N هم‌زمان ابتدا و انتها نباشند برابر است با تعداد کل کلماتی که با حروف کلمه «MOHSEN» ساخته می‌شود منهای تعداد کلماتی که در آن‌ها M و N هم‌زمان در ابتدا و انتها واقع هستند.

$$6! = 720 = \text{تعداد کل کلمات ساخته شده با حروف کلمه MOHSEN}$$

حال تعداد کلماتی را حساب می‌کنیم که در آن‌ها M و N ابتدا و انتها هستند:

$$\left. \begin{matrix} M & N \\ 1 & 4 & 3 & 2 & 1 & 1 \\ \text{یا} \\ N & M \\ 1 & 4 & 3 & 2 & 1 & 1 \end{matrix} \right\} \Rightarrow 48$$

$$\Rightarrow 1 \times 4 \times 3 \times 2 \times 1 \times 1 = 24$$

$$\Rightarrow 1 \times 4 \times 3 \times 2 \times 1 \times 1 = 24$$

$$720 - 48 = 672 = \text{تعداد کلمات خواسته شده}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱ تا ۸)

۴- گزینه «۱»

(پویر زنگنه قاسم‌آبادی)

$$\begin{cases} a = b \\ \text{یا} \\ a + b = n \end{cases} \Rightarrow \binom{n}{a} = \binom{n}{b}$$

$$\Rightarrow \begin{cases} x - 3 = 3x - 5 \Rightarrow 2x = 2 \Rightarrow x_1 = 1 \\ x - 3 + 3x - 5 = 4 \Rightarrow 4x = 12 \Rightarrow x_2 = 3 \end{cases}$$

جواب $x = 1$ غیرقابل قبول است؛ زیرا با جایگذاری آن به $\binom{4}{-2}$ می‌رسیم

و فقط جواب $x = 3$ قابل قبول است.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱ تا ۸)

۵- گزینه «۲»

(سعید عزیزقانی)

یک حالت از حالات خواسته شده را فرض می‌کنیم: در جعبه اول دو گوی، در جعبه دوم یک گوی و در جعبه سوم ۵ گوی قرار بگیرد و داریم:

$$\begin{matrix} \text{○○} & | & \text{○} & | & \text{○○○○○} \\ \text{جعبه سوم} & & \text{جعبه دوم} & & \text{جعبه اول} \end{matrix}$$

خطوط عمودی به‌عنوان جداکننده می‌توانند در فضای بین ۸ مهره قرار بگیرند تا به هر جعبه حداقل یک مهره برسد. در نتیجه ۷ فضای خالی وجود دارد که دو تای آن‌ها توسط خطوط جداکننده می‌تواند اشغال شود.

$$\text{تعداد حالت‌ها} = \binom{7}{2} = \frac{7!}{2! \times 5!} = \frac{7 \times 6}{2} = 21$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۶- گزینه «۲»

(سامان اسپهر)

دقت کنید که وقتی «لااقل» در صورت تست می‌آید باید از مقدار کم شروع کرده و به بیشترین مقدار برویم.

در این تست گفته شده لاقلاً ۲ مهره آبی، یعنی باید ۲ مهره یا بیشتر از ۲ مهره آبی باشند، پس داریم:

$$\text{تعداد حالات} = \binom{4}{2} \times \binom{3}{1} + \binom{4}{3} = (6 \times 3) + 4 = 22$$

۳مه‌وآبی ۱مه‌رقرمز ۲مه‌وآبی

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۷- گزینه «۴»

(مامر نصیری)

برای تشکیل چهارضلعی ۴ نقطه انتخاب می‌کنیم؛ بنابراین:

$$\binom{7}{4} = \frac{7!}{4!3!} = \frac{7 \times 6 \times 5 \times 4!}{4! \times 3 \times 2 \times 1} = 35$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۸- گزینه «۳»

(مامر نصیری)

ابتدا تعداد اعضای فضای نمونه را به‌دست می‌آوریم:

$$4 = 2^2 \rightarrow \text{تعداد اعضای } S \text{ خانواده } 2 \text{ فرزندی}$$

(هر فرزند می‌تواند پسر یا دختر باشد).

حال تعداد زیرمجموعه‌ها یعنی همان پیشامدهای متمایز را به‌دست می‌آوریم:

$$16 = 2^4 \rightarrow \text{تعداد زیرمجموعه‌ها} = 2^n$$

پس ۱۶ پیشامد متمایز می‌توان تعریف کرد.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۵)

۹- گزینه «۲»

(ابوالفضل بواری)

اگر سکه پشت بیاید و تاس بیندازیم، ۶ حالت دارد. (۱ تا ۶)

اگر سکه رو بیاید و ۴ بار دیگر سکه بیندازیم، ۱۶ حالت داریم ($2^4 = 16$)

پس طبق اصل جمع، کل اعضای فضای نمونه برابر است با: $16 + 6 = 22$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۵)

(سامان اسپهرم)

۱۴- گزینه «۲»

به بررسی گزینه‌ها و رد گزینه‌های نادرست می‌پردازیم:

$$f(-9) = \frac{2 \times (-9)}{-9-3} = \frac{-18}{-12} = \frac{3}{2}$$

گزینه‌های ۱ و ۴ رد می‌شوند چون $\frac{3}{2}$ در برد نیست.

$$f(0) = \frac{2(0)}{0-3} = \frac{0}{-3} = 0$$

گزینه ۳ هم رد می‌شود چون عدد ۰ در برد نیست

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۵)

(ابوالفضل بوعاری)

۱۵- گزینه «۳»

$$f(6) = \frac{6^2 - 6}{2} = \frac{36 - 6}{2} = \frac{30}{2} = 15$$

$$f(-2) = \frac{(-2)^2 - (-2)}{2} = \frac{4 + 2}{2} = \frac{6}{2} = 3$$

$$\Rightarrow 15 \times 3 \times f(a) = 45$$

$$\Rightarrow 45(f(a)) = 45 \Rightarrow f(a) = 1$$

$$f(a) = \frac{a^2 - a}{2} = 1 \Rightarrow a^2 - a = 2 \Rightarrow a^2 - a - 2 = 0$$

$$(a-2)(a+1) = 0 \Rightarrow \begin{cases} a = 2 \\ a = -1 \end{cases} \text{ غ ق ق } (-1 \notin \mathbb{N})$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۵)

(امیر زائرئوز)

۱۶- گزینه «۲»

با توجه به شکل، محدوده تغییرات x برابر $\{x \mid x \leq 4\}$ است. پس

$$D_f = \{x \mid x \leq 4\} \text{ و محدوده تغییرات } y \text{ برابر } 2 \leq y \leq 5 \text{ است. پس}$$

$$R_f = \{2 \leq y \leq 5\}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۵)

(امیر رضا ذاکر زاده)

۱۷- گزینه «۴»

از آنجا که تابع f خطی و موازی محور x ها است، پس ضابطه آن به صورت $f(x) = h$ (شیب خط صفر) است.

$$f(x) = 4x + n - 2mx \Rightarrow f(x) = (4 - 2m)x + n$$

$$\text{شیب خط صفر} \rightarrow 4 - 2m = 0 \Rightarrow m = 2$$

$$\Rightarrow f(x) = n \xrightarrow{(2,4) \in f} n = 4$$

$$\Rightarrow m^2 - n^2 = 2^2 - 4^2 = -12$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۲)

(امیر مضموران)

۱۰- گزینه «۳»

در پرتاب دو تاس در حالات $(1,1)$ ، $(1,2)$ و $(2,1)$ و $(1,3)$ و $(3,1)$ و $(2,2)$ مجموع اعداد رو شده کمتر از ۵ است. پس در حالات زیر یک تاس سبز می‌اندازیم:

$$\{(1,1,1), (1,1,2), (1,2,1), (1,2,2), (2,1,1), (2,1,2), (2,2,1), (2,2,2), (3,1,1), (3,1,2), (3,2,1), (3,2,2), (3,3,1), (3,3,2)\}$$

می‌دانیم که تعداد اعضای فضای نمونه در پرتاب یک تاس آبی، یک تاس قرمز و یک سکه برابر است با:

$$6 \times 6 \times 2 = 72$$

در ۱۲ عضو این مجموعه یک تاس سبز می‌اندازیم و در ۶۰ عضو دیگر یک سکه. پس تعداد اعضای کل فضای نمونه برابر است با:

$$12 \times 6 + 60 \times 2 = 72 + 120 = 192$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۵)

ریاضی و آمار (۱)

(مهمر عمیری)

۱۱- گزینه «۲»

اگر به جای نقطه $(1,2)$ نقطه $(0,2)$ قرار گیرد، جدول به تابع زیر تبدیل می‌شود:

x	0	1	2	3	4
y	2	3	2	2	3

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۹)

(علیرضا عبیدی)

۱۲- گزینه «۳»

ورودی تابع x (متغیر مستقل) است و خروجی آن $y = x + x^2$ متغیر وابسته است که از مجموع عدد ورودی و مربع آن عدد به دست می‌آید. پس f تابعی است که هر عدد را به مجموع مربع آن عدد و خودش نسبت می‌دهد.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۵)

(ابوالفضل بوعاری)

۱۳- گزینه «۲»

دو زوج مرتب $(-12, 48)$ و $(-12, x^2 + 13x)$ دارای مؤلفه‌های اول یکسان هستند، پس داریم:

$$x^2 + 13x = 48 \Rightarrow x^2 + 13x - 48 = 0 \Rightarrow (x + 16)(x - 3) = 0$$

$$\begin{cases} x + 16 = 0 \Rightarrow x = -16 \\ x - 3 = 0 \Rightarrow x = 3 \end{cases}$$

تابع نمی‌شود. $x = -16 \Rightarrow (4 + x, x^2 + 5) = (-12, 261)$

$$x = 3 \Rightarrow \{(7, 48), (7, 14), (-12, 48), (-12, 6)\}$$

حال دو زوج مرتب $(7, 48)$ و $(7, 4b - 6)$ مؤلفه‌های اولشان با هم برابر است، پس مؤلفه‌های دومشان را نیز مساوی قرار می‌دهیم:

$$4b - 6 = 48 \Rightarrow 4b = 54 \Rightarrow b = \frac{27}{2}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۹)



اقتصاد

۱۸- گزینه «۳»

(ابوالفضل بهاری)

برای آنکه تابع خطی فقط از ناحیه اول مختصات عبور نکند، باید شیب و عرض از مبدأ هر دو منفی باشند (عرض از مبدأ صفر قابل قبول نیست)؛ پس داریم:

$$k < 4 \Rightarrow k < 16 \Rightarrow 4k < 16 \Rightarrow 4k - 16 < 0 \Rightarrow \frac{4k - 16}{3} < 0 \Rightarrow \text{شیب}$$

$$\frac{2}{k} < 2 \Rightarrow \frac{k}{k} < \frac{2k}{k} \Rightarrow 1 < 2k \Rightarrow 2 < 2k \Rightarrow 1 < k$$

$$\Rightarrow 2 < 2k \Rightarrow 1 < k$$

اعداد طبیعی بین ۱ و ۴ فقط ۲ و ۳ است، پس به ازای ۲ مقدار طبیعی k ، نمودار فقط از ناحیه اول نمی گذرد.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۲)

۱۹- گزینه «۴»

(کوروش شاه منصوریان)

چون سه نقطه روی یک خط قرار دارند، پس شیب خط گذرنده از B و A برابر شیب خط گذرنده از B و C است؛ در نتیجه:

$$\text{شیب } AB = \frac{2a-1-a}{-3-1} = \frac{a-1}{-4}$$

$$\text{شیب } BC = \frac{2a-1-(-a+2)}{-3-a} = \frac{3a-3}{-3-a}$$

$$\frac{a-1}{-4} = \frac{3a-3}{-3-a} \Rightarrow -3a - a^2 + 3 + a = -12a + 12$$

$$a^2 - 10a + 9 = 0 \Rightarrow (a-1)(a-9) = 0 \Rightarrow \begin{cases} a=1 \\ a=9 \end{cases}$$

چون به ازای $a=1$ دو نقطه A و C دیگر متمایز نخواهند شد، پس $a=1$ قابل قبول نیست.

بنابراین $a \in \{9\}$ است.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۲)

۲۰- گزینه «۲»

(علیرضا عبیری)

با توجه به ضابطه $f(x) = ax + b$ داریم:

$$\begin{cases} f(1) = 3 \\ f(-1) = -1 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} a+b=3 \\ -a+b=-1 \end{cases} \Rightarrow 2b=2 \Rightarrow b=1$$

$$\frac{a+b=3}{b=1} \Rightarrow a=2$$

$$\Rightarrow a \times b = 2 \times 1 = 2$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۲)

۲۱- گزینه «۱»

(کنگور سراسری ۱۴۰۰)

الف) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی، (ناحیه ۱) مصرف‌کنندگان به دلیل قیمت بالا، مایل به خرید تعداد واحد کم‌تری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، مازاد عرضه یا کمبود تقاضا وجود دارد، زیرا گروهی از تولیدکنندگان برای محصولات خود خریدار پیدا نمی‌کنند.
ب) نقطه برخورد دو منحنی عرضه و تقاضا، نقطه تعادل در بازار را نشان می‌دهد که قیمت متناظر با آن، قیمت تعادلی و مقدار متناظر با آن را مقدار تعادلی در بازار می‌گویند. نقطه C نقطه تعادلی است:

مقدار تعادلی = ۶۰۰ کیلو (مقدار عرضه = مقدار تقاضا)

(قیمت ارائه شده از سوی عرضه‌کنندگان = قیمت ارائه شده از سوی تقاضاکنندگان)

قیمت تعادلی = ۲۵۰ ریال

ج) در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی، (ناحیه ۳) مصرف‌کنندگان به دلیل ارزان بودن کالا، مایل به خرید تعداد واحد بیشتری از کالا هستند. در این حالت در بازار این کالا، کمبود عرضه یا مازاد تقاضا وجود دارد. زیرا به دلیل ارزان بودن کالا، تقاضا برای آن زیاد است. درحالی‌که تولیدکنندگان برای تولید آن کالا به آن مقدار، انگیزه کافی ندارند؛ در نتیجه تولید و عرضه آن کم می‌شود.

د) منحنی تقاضا (M) نزولی و منحنی عرضه (N) صعودی است.

ه) در سطح قیمت ۱۰۰ ریال (به دلیل ارزان بودن کالا و به‌صرفه نبودن تولید برای تولیدکنندگان) میزان عرضه کالا صفر است.

هم‌چنین در سطح قیمت ۴۰۰ ریال به دلیل گران بودن کالا میزان تقاضای کالا صفر است.

(اقتصاد، بازار پیست و پگونه عمل می‌کنند؛ صفحه‌های ۵۰ تا ۵۳)

۲۲- گزینه «۴»

(نسرین جعفری)

الف) کالای پست: به کالایی گفته می‌شود که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می‌یابد. (علت کاهش تقاضا این است که مصرف‌کنندگان با افزایش درآمدشان به جای مصرف آن کالا، روی به مصرف کالاهایی می‌آورند که کیفیت بالاتری داشته باشند.) با فرض ثابت بودن قیمت کالا، تقاضا برای کالای پست به صورت معکوس با درآمد ارتباط دارد.

سویا کالایی پست است و با افزایش درآمد، مردم خرید آن را کاهش می‌دهند.

ب) کالاهای مکمل: کالاهایی هستند که به صورت تکمیلی و با هم مصرف می‌شوند. مثل: «برق» و «فر برقی». افزایش قیمت یکی از کالاهای مکمل باعث کاهش در میزان تقاضا برای کالاهای دیگر خواهد شد و برعکس.

به عنوان مثال، کاهش قیمت برق باعث افزایش تقاضا برای فر برقی خواهد شد. کالاهای جانشین: کالاهایی هستند که در استفاده یا مصرف جایگزین یکدیگر می‌شوند. اگر قیمت یک کالا افزایش یابد، تقاضا برای آن کالا کاهش و تقاضا برای کالای جانشین افزایش می‌یابد. برعکس زمانی که قیمت یک کالا کاهش می‌یابد، تقاضا برای آن کالا افزایش و تقاضا برای کالای جانشین کاهش می‌یابد. کالاهای جانشین مانند: گوشت سفید و قرمز

به عنوان مثال، افزایش قیمت گوشت مرغ باعث کاهش تقاضا برای آن و افزایش تقاضا برای گوشت قرمز خواهد شد.

پ) ابداعات و اختراعات معمولاً با کاهش هزینه‌ها اثر مثبتی بر مقدار تولید و عرضه دارند.

(اقتصاد، بازار پیست و پگونه عمل می‌کنند؛ صفحه‌های ۵۰ تا ۵۲)



۲۳- گزینه «۳»

(ماتره هسنی)

هنگامی که روی مرز کارایی قرار داریم، بهتر شدن وضعیت ما، مستلزم بدتر شدن وضع دیگری خواهد شد.

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۳۹ تا ۴۱)

۲۴- گزینه «۲»

(نسرین هعفری)

الف) اگر بودجه و نیروی کار غیرفعال تنها برای تولید کالاها و خدمات رفاهی مورد نیاز مردم به کار گرفته شود، در این صورت از نقطه F به نقطه D جابه‌جا می‌شویم.

ب) اگر بودجه و نیروی کار غیرفعال بین دو صنعت تقسیم شود، در این حالت از نقطه F به نقطه C جابه‌جا می‌شویم.

پ) با ثابت نگه‌داشتن تولید کالاهای رفاهی (همان ۱۰ واحد) و افزایش تولید کالاهای نظامی (۴۰۰ واحد کالای نظامی به جای ۲۰۰ واحد قبلی) از نقطه M به نقطه F انتقال یافت.

ت) نشان‌دهنده ناکارایی در اقتصاد است، چراکه با همان منابع و امکانات و بدون حذف کالاهای دیگر، قادر به تولید حداقل بیشتر از یک کالای دیگر است.

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۱)

۲۵- گزینه «۲»

(ماتره هسنی)

بررسی عبارات نادرست:

الف) کالای معمولی: کالایی است که با کاهش درآمد، تقاضا برای آن کم می‌شود و با افزایش درآمد میزان مصرف آن کالا افزایش می‌یابد. با فرض ثابت بودن قیمت کالا، تقاضا برای کالای معمولی به صورت مثبت با درآمد ارتباط دارد. افزایش در درآمد سبب افزایش در مقدار تقاضای کالای معمولی در هر قیمت می‌شود.

کالای پست: به کالایی گفته می‌شود که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می‌یابد. با فرض ثابت بودن قیمت کالا، تقاضا برای کالای پست به صورت معکوس با درآمد ارتباط دارد. افزایش در درآمد سبب کاهش در مقدار تقاضای کالای پست در هر قیمت می‌شود.

ب) سیاست‌گذاران معمولاً تلاش می‌کنند با آگاه‌سازی مردم به زیان‌های کشیدن سیگار و یا بالا بردن قیمت آن از طریق وضع مالیات بر سیگار، مقدار تقاضا و مصرف سیگار را کم کنند.

(اقتصاد، بازار پیست و پگونه عمل می‌کنند، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۲)

۲۶- گزینه «۱»

(مهری ضیائی)

الف) در نقطه A به این دلیل که قیمت کالا در بیشترین حالت ممکن قرار دارد بازار با عدم تقاضا رو به رو می‌شود.

ب) با کاهش قیمت و افزایش تقاضا بازار از نقطه B به نقطه C حرکت می‌کند.

(اقتصاد، بازار پیست و پگونه عمل می‌کنند، صفحه ۵۰)

۲۷- گزینه «۳»

(ماتره هسنی)

افزایش منابع موجود برای تولید دو محصول در اثر پیشرفت تکنولوژی ← جابه‌جایی مرز امکانات تولید به خارج (انتقال)

شروع فصل زمستان و کاهش تقاضای بستنی ← جابه‌جایی بر روی مرز امکانات تولید

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه ۴۲)

۲۸- گزینه «۱»

(نسرین هعفری)

- در نقطه B میزان تولید محصول گندم، ۴۰۰ تن و میزان تولید ذرت ۱۰۰ تن است، در نقطه C میزان تولید محصول گندم، ۳۵۰ تن و میزان تولید ذرت ۲۰۰ تن است، بنابراین با حرکت از نقطه C به نقطه B، برای تولید ۵۰ تن گندم بیشتر، از تولید ۱۰۰ تن ذرت صرف‌نظر می‌شود، بنابراین هزینه فرصت حرکت از نقطه C به نقطه B، ۱۰۰ تن ذرت است که از تولید آن صرف‌نظر شده است.

- در نقطه D میزان تولید محصول گندم، ۲۵۰ تن و میزان تولید ذرت ۲۵۰ تن است، در نقطه E میزان تولید محصول گندم، ۱۰۰ تن و میزان تولید ذرت ۳۰۰ تن است، بنابراین با حرکت از نقطه D به نقطه E، برای تولید ۵۰ تن ذرت بیشتر، از تولید ۱۵۰ تن گندم صرف‌نظر می‌شود، بنابراین هزینه فرصت حرکت از نقطه D به نقطه E، ۱۵۰ تن گندم است که از تولید آن صرف‌نظر شده است.

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۳۹ تا ۴۱)

۲۹- گزینه «۳»

(فاطمه بیاتی)

الف) سطح قیمت ۱۸,۰۰۰ تومان که به ازای آن، مقدار عرضه و تقاضا با هم برابر می‌باشند (۳۰ کیلو)، قیمت تعادلی است. در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی در بازار با مازاد تقاضا (کمبود عرضه) روبه‌رو می‌شویم. بنابراین در سطح قیمت ۱۷,۰۰۰ تومان، ۱۰ کیلو مازاد تقاضا (کمبود عرضه) وجود دارد.

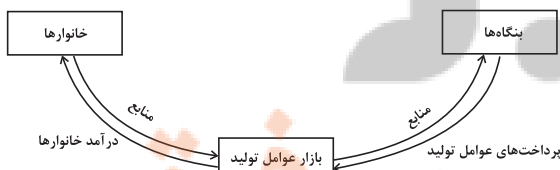
ب) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی در بازار با کمبود تقاضا (مازاد عرضه) روبه‌رو می‌شویم. بنابراین در سطح قیمت ۲۰,۰۰۰ تومان، ۲۵ کیلو کمبود تقاضا (مازاد عرضه) وجود دارد.

ج) در سطح قیمت ۲۲,۰۰۰ تومان، تولیدکنندگان ۵۰ کیلو از کالا را تولید و عرضه می‌کنند، در حالی که تقاضاکنندگان تنها برای ۱۵ کیلو از کالا تقاضا دارند، در نتیجه در این سطح قیمت حداکثر پرداختی مصرف‌کنندگان برابر است با: $۲۲,۰۰۰ \times ۱۵ = ۳۳۵,۰۰۰$ تومان

(اقتصاد، بازار پیست و پگونه عمل می‌کنند، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۳)

۳۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی)



خانوارها، فروشنده عوامل تولید (زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی) و بنگاه‌ها خریدار هستند.

پولی که بنگاه‌ها بابت خرید عوامل تولید (تحت عنوان دستمزد، اجاره و سود) می‌پردازند، با عبور از بازار عوامل تولید، به‌عنوان درآمد خانوارها دریافت می‌شود.

(اقتصاد، بازار پیست و پگونه عمل می‌کنند، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹)



روان‌شناسی

۳۱- گزینه «۴»

(عمیدرضا توکلی)

رشد شناختی، به رشد توانایی‌های مرتبط با فرایندهایی همچون توجه، ادراک، حافظه، استدلال، قضاوت، حل مسئله، تصمیم‌گیری و توانایی‌های زبانی کودک اطلاق می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۸)

۳۲- گزینه «۲»

(فرهاد علی‌نژاد)

تمامی مهارت‌های جسمانی در ۱۵ ماهه اول زندگی کودک طی یک دوره سه ماهه تکمیل می‌شوند، جز مهارت «بالا نگه داشتن چانه و سینه» که در دو ماه اول زندگی کامل می‌شود.

برخی، کودکان ۱ تا ۳ ساله را که تازه راه می‌افتند، «توپا» می‌نامند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۴ و ۴۷)

۳۳- گزینه «۳»

(فرهاد علی‌نژاد)

هیجانان در صورت هدایت نشدن و به‌کارگیری غلط، منجر به رفتارهای پرخطر و مخرب می‌شوند؛ بنابراین، لازم است در دوره نوجوانی مهارت‌هایی را بیاموزیم که بتوانیم هیجانان خود را در جهت صحیح به‌کار گیریم؛ مهارت‌هایی مثل کنترل خشم و ورزش کردن.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۵۷)

۳۴- گزینه «۳»

(مهروی باهری)

عوامل مؤثر بر رشد به دو دسته محیط و وراثت تقسیم می‌شوند. عامل محیطی به آن دسته از عواملی که بیرون از فرد قرار دارد، گفته می‌شود. برای مثال اسباب بازی، آموزش‌های خانواده و تعامل با دیگر کودکان مطابق توصیه مشاور. عامل وراثت به آن دسته عواملی گفته می‌شود که از درون موجب تحولات رشدی می‌شود؛ برای مثال رنگ چشم، باهوش بودن و یا قد. هنگامی که کودک، بدون یادگیری، آموزش و تجربه و تعامل اجتماعی با همسالان، مهارت ارتباطی قابل توجهی دارد، این عامل وراثت (ژن) اوست که موجب مهارت بالای او شده است. به احتمال زیاد والدین این کودک هم مهارت‌های ارتباطی زیادی دارند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۲)

۳۵- گزینه «۴»

(موسا عفتی)

در هفت سال اول (کودکی اول) سعی می‌کنیم که با عمل و گفتار صحیح از حس تقلید کودک بهره بگیریم.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۴)

۳۶- گزینه «۲»

(موسا عفتی)

بیت گزینه «۲» به تأثیر عوامل محیطی اشاره دارد. عوامل محیطی در بیرون از فرد وجود دارند و بر نحوه بروز تغییرات در جنبه‌ها و در مراحل مختلف رشد تأثیرگذار هستند.

ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» اشاره به ذات و عوامل زیستی دارند؛ اما گزینه «۳» به عوامل محیطی و هم‌نشین بد اشاره دارد که با سایر ابیات متفاوت است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۹ تا ۴۲)

۳۷- گزینه «۲»

(مهروی باهری)

- کودکان با دریافت واکنش دیگران به هیجانان خود جهت می‌دهند. محدثه هم با مشاهده ناراحتی مادرش، شروع به واکنش هیجانی اشک ریختن می‌کند.

- زهرا زمانی که از میان چند کارتونی یکی را برای دیدن انتخاب می‌کند، مشغول تصمیم‌گیری که مربوط به رشد شناختی است، می‌باشد.

- هنگامی که علی به دنبال اسباب‌بازی خود می‌گردد، کارکرد جست‌وجوی توجه از عوامل شناختی مشاهده می‌شود. (مثال صفحه ۴۸ کتاب درسی)

- حسن و حسین مشغول بازی موازی هستند که یکی از مصادیق رشد اجتماعی کودکان است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۲)

۳۸- گزینه «۲»

(عمیدرضا توکلی)

دوقلوهای همسان، لزوماً همجنس‌اند.

جهت‌دهی به هیجان آگاهانه است.

رشد بین‌فردی را با مسامحه می‌توان به معنای رشد اجتماعی در نظر گرفت.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۰، ۳۹ و ۵۰)

۳۹- گزینه «۱»

(موسا عفتی)

توجه نوجوانان در مقایسه با کودکان گزینشی‌تر است؛ به این معنا که بر اطلاعات مرتبط متمرکز می‌شوند و با ضرورت‌های تکلیف‌مورد نظر بهتر سازگار می‌شوند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۵ و ۵۶)

۴۰- گزینه «۲»

(موسا عفتی)

سرعت تفکر در دوره نوجوانی افزایش می‌یابد؛ در نتیجه، در یک لحظه اطلاعات بیشتری در حافظه آن‌ها نگه داشته می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۵ و ۵۶)



اقتصاد

۴۱- گزینه «۴»

(نسرین میفری)

الف) در قیمت ۵۰۰ تومان، به دلیل بالا بودن قیمت، تولیدکنندگان حاضر هستند ۶۰ کیلو از کالا را تولید کنند ولی مصرف کنندگان تنها به میزان ۲۰ کیلو از کالا را تقاضا دارند. در نتیجه حداکثر درآمد تولیدکنندگان برابر خواهد بود با:

مقدار به فروش رفته \times قیمت هر واحد = درآمد عرضه کنندگان
تومان $10,000 = 500 \times 20$ = درآمد عرضه کنندگان

ب) سطح قیمت ۳۰۰ تومان (ردیف ۳ جدول) را که به ازای آن مقدار عرضه و تقاضا با هم برابر می‌شوند، «قیمت تعادلی» می‌گویند و میزان ۴۰ کیلو را «مقدار تعادلی» می‌نامند. در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی (ردیف‌های ۴ و ۵ جدول) در بازار با مازاد عرضه روبه‌رو می‌شویم.

پ) در قیمت ۱۰۰ تومان، به دلیل پایین بودن قیمت، مصرف کنندگان ۶۰ کیلو از این کالا را تقاضا دارند ولی تولیدکنندگان تنها حاضر هستند به میزان ۲۰ کیلو از کالا را تولید کنند. در نتیجه حداکثر هزینه مصرف کنندگان برابر خواهد بود با:

تومان $2,000 = 100 \times 20$ = حداکثر هزینه مصرف کنندگان

ت) در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی (ردیف‌های ۱ و ۲ جدول) در بازار با کمبود عرضه مواجه می‌شویم.

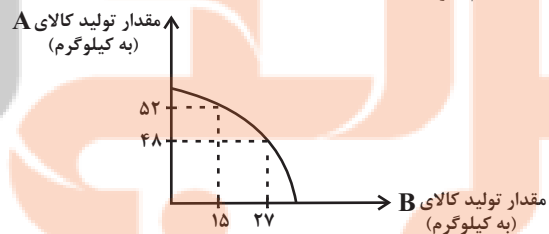
در بازار هنگامی «کمبود عرضه» اتفاق می‌افتد که قیمت از سطح قیمت تعادلی پایین‌تر باشد. در نتیجه، گروهی از مصرف کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نخواهند شد. این گروه، برای خرید کالا حاضرند مبلغ بالاتری بپردازند و این امر سبب افزایش قیمت کالا می‌شود.

(اقتصاد، بازار پیست و پلونه عمل می‌کنند، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۳)

۴۲- گزینه «۱»

(کتاب آبی)

با افزایش تولید کالای A به اندازه ۴ کیلو، ۱۲ کیلو $(12 - 15 = 27)$ از تولید کالای B کم خواهد شد.



پس میزان هزینه فرصت برابر است با:

هزار تومان $12 \times 50 = 600$

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۴۳- گزینه «۳»

(سارا شریفی)

الف)

کیلو $6 =$ مقدار تقاضای تعادلی

کیلو $0 =$ میزان تقاضا در قیمت ۷۰۰ تومان

کیلو $6 - 0 = 6 =$ میزان تقاضا در قیمت ۷۰۰ تومان - مقدار تقاضای تعادلی

ب) در سطح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی در بازار مازاد عرضه (کمبود تقاضا) داریم، یعنی در سطح قیمت ۶۰۰ تومان، معادل ۴ کیلو مازاد عرضه (کیلو $4 = 8 - 4$) داریم.

در سطح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی در بازار مازاد تقاضا (کمبود عرضه) داریم، یعنی در سطح قیمت ۳۰۰ تومان، معادل ۱۰ کیلو کمبود عرضه (کیلو $10 = 0 - 10$) داریم.

ج) در سطح قیمت ۵۰۰ تومان و مقدار ۶ کیلو تولیدکننده بیشترین دریافتی را دارد.

تومان $3000 = 500 \times 6$

د) در بازار هنگامی «کمبود عرضه (مازاد تقاضا)» اتفاق می‌افتد که قیمت از سطح قیمت تعادلی پایین‌تر باشد. در نتیجه، گروهی از مصرف کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نخواهند شد. این گروه برای خرید کالا حاضرند مبلغ بالاتری بپردازند و این امر سبب افزایش قیمت کالا می‌شود.

افزایش قیمت باعث می‌شود از یک سو، تولیدکنندگان به تولید رغبت بیشتری نشان دهند و از سوی دیگر، مصرف کنندگان از مصرف خود بکاهند.

این افزایش قیمت تا سطحی ادامه می‌یابد که در آن، فاصله بین عرضه و تقاضا از بین برود و تعادل در بازار برقرار شود. بنابراین در سطح قیمت ۴۰۰ تومان، ۱۰۰ تومان افزایش قیمت موجب برقراری تعادل در بازار می‌شود.

(اقتصاد، بازار پیست و پلونه عمل می‌کنند، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۳)

۴۴- گزینه «۴»

(سارا شریفی)

تشریح عبارات نادرست:

الف) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی با مازاد عرضه روبه‌رو می‌شویم. در این حالت چون گروهی از تولیدکنندگان موفق نمی‌شوند کالایشان را بفروشند، حاضر خواهند بود آن را با قیمتی کمتر به فروش برسانند؛ در نتیجه قیمت کم می‌شود.

ب) کالای پست: به کالایی گفته می‌شود که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می‌یابد. (علت کاهش تقاضا این است که مصرف کنندگان با افزایش درآمدشان به جای مصرف آن کالا روی به مصرف کالاهایی می‌آورند که کیفیت بالاتری داشته باشند.) با فرض ثابت بودن قیمت کالا، تقاضا برای کالای پست به صورت معکوس با درآمد ارتباط دارد. افزایش در درآمد سبب کاهش در مقدار تقاضای کالای پست در هر قیمت می‌شود.

ج) تصمیم مصرف کنندگان در مورد مصرف کالا از عواملی مانند قیمت کالا، درآمد، سلیقه خودشان، تبلیغات و قیمت سایر کالاها تأثیر می‌پذیرد.

(اقتصاد، بازار پیست و پلونه عمل می‌کنند، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۳)

۴۵- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

خانوارها زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی را برای تولید کالاها و خدمات ارائه می‌کنند.

(اقتصاد، بازار پیست و پلونه عمل می‌کنند، صفحه ۴۸)

۴۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست است. در نقطه (ه) به ترتیب حداکثر ۴۰۰ واحد کالای A و ۳۰۰ واحد کالای B تولید می‌شود.

گزینه «۲»: درست است.



علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

(عزیز الیاس پور)

۵۱- گزینه ۱

موضوع شاهنامه ابومنصوری، تاریخ گذشته ایران است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۴۴ و ۴۵)

(عزیز الیاس پور)

۵۲- گزینه ۳

تشریح موارد نادرست:

الف) رمان‌نویسی فارسی در ادبیات کلاسیک ایران سابقه‌ای ندارد و محصول یک قرن گذشته است.

ج) غالب‌ترین نوع رمان در این دوره، رمان تاریخی است.

د) «قرن بیستم» روزنامه میرزاده عشقی بود. بهار مجله‌های «دانشکده» و «نوبهار» را منتشر می‌کرد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۷ تا ۲۰)

(مجتبی فرهادی)

۵۳- گزینه ۲

ایرانیان در سه قرن نخست هجری به فعالیت‌های علمی و ادبی خود ادامه دادند و به زبان‌های فارسی، پهلوی و عربی آثار فراوانی پدید آوردند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

(سیرمفهر هاشمی)

۵۴- گزینه ۱

«خداوندنامه» حماسه‌ای مذهبی است، نه ملی.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۲۰)

(سیدعلیرضا اصرری)

۵۵- گزینه ۱

در بیت‌های «الف» و «ج» در پایان نیم‌مصراع‌های اول، دوم و سوم، کلمات هم‌قافیه آمده‌اند (قافیه درونی) و با توجه به اینکه این کلمات در پایان جملات هم هستند می‌توانند سجع بسازند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه ۵۳)

(سیدعلیرضا اصرری)

۵۶- گزینه ۲

در عبارت گزینه ۲ «کلمات «خوردی» و «بردی» سجع متوازی ساخته‌اند ولی در سایر گزینه‌ها سجع مطرف مشهود است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «کردی» و «زدی» ← سجع مطرف

گزینه ۳: «ننماید» و «نیاید» ← سجع مطرف

گزینه ۴: «ناچیز» و «عزیز» ← سجع مطرف

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه ۵۳)

(یاسین مهریان)

۵۷- گزینه ۴

نکته: سجع در شعر، همان قافیه درونی است.

در این بیت، واژه‌هایی که در پایان نیم‌مصراع‌ها (جدایی، درازی، سعدی) به‌کار رفته‌اند، آرایه «سجع» را به‌وجود آورده‌اند.

در سایر گزینه‌ها، واژه «سعدی» در انتهای نیم‌مصراع به‌کار نرفته است؛ بنابراین، کلمه «سعدی» در این ابیات، پدیدآورنده «سجع» نمی‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه ۵۳)

گزینه ۳: «نادرست است. نقاط خارج از مرز امکانات تولید، غیرقابل دستیابی است و منابع کافی برای تولید در آن سطح وجود ندارد.

گزینه ۴: «نادرست است. با توجه به نقاط (ب) و (ه)، هزینه فرصت تولید ۳۰۰ واحد کالای A بیشتر، صرف‌نظر از تولید ۶۰۰ واحد کالای B است.

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۱)

(سارا شریفی)

۴۷- گزینه ۴

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه ۱: «در نقطه D بنگاه از همه توانایی و امکانات خود استفاده نمی‌کند. بنابراین برای انتقال به نقطه بهینه‌ای مانند A نیازی به به‌کارگیری یک فناوری جدید نیست.

گزینه ۲: «نقطه‌های بهینه تولید، نقاط A، B و C هستند.

گزینه ۳: «تولید در نقطه D کارا نیست.

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۱)

(سارا شریفی)

۴۸- گزینه ۳

پولی که بنگاه‌ها بابت خرید عوامل تولید می‌پردازند، با عبور از بازار عوامل تولید، به‌عنوان درآمد خانوارها دریافت می‌شود. درآمد خانوارها در بازار عوامل تولید پرداخت‌هایی است که بابت خرید منابع تولید به خانوارها پرداخت می‌شود. این پرداخت‌ها در جدول زیر بیان شده‌اند:

ردیف	عنوان	علت
۱	دستمزد	دریافتی خانوارها بابت فروش نیروی کار
۲	اجاره	دریافتی خانوارها بابت اجاره زمین یا کارگاه
۳	سود	دریافتی خانوارها بابت در اختیار قرار دادن سرمایه مالی خود

(اقتصاد، بازار پیست و پلکونه عمل می‌کنند، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹)

(مانره مسنی)

۴۹- گزینه ۴

- طبق قانون تقاضا، افزایش قیمت بنزین موجب کاهش تقاضای آن می‌شود.
- خودرو و بنزین دو کالای مکمل هستند پس افزایش قیمت خودرو سبب کاهش تقاضای خودرو و بنزین می‌شود.

(اقتصاد، بازار پیست و پلکونه عمل می‌کنند، صفحه‌های ۵۰ و ۵۱)

(سارا شریفی)

۵۰- گزینه ۲

شماره (۱) بیانگر مقدار عرضه است؛ چون با افزایش قیمت، مقدار عرضه افزایش یافته است، یعنی عرضه با قیمت رابطه مستقیم دارد.

شماره (۲) بیانگر مقدار تقاضا است؛ چون با افزایش قیمت، مقدار تقاضا کاهش یافته است، یعنی تقاضا با قیمت رابطه معکوس دارد.

در شماره (۳) قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی است؛ یعنی مقدار تقاضا بیشتر از عرضه است، پس بازار با کمبود عرضه (مازاد تقاضا) مواجه است. (۳۰۰ واحد)

در شماره (۴)، (در قیمت ۲۰ ریال) مقدار عرضه و تقاضا با هم برابر است، یعنی بازار در تعادل است.

در شماره (۵)، قیمت (۴۰ ریال) بالاتر از قیمت تعادلی است، یعنی بازار با مازاد عرضه (کمبود تقاضا) مواجه است. (۴۰۰ واحد)

(اقتصاد، بازار پیست و پلکونه عمل می‌کنند، صفحه‌های ۵۰ و ۵۳)



۵۸- گزینه «۳»

(مبتدی فرهاری)
ب باگ اهش ادب باگ اهش ادخ از اش اده ان ادار اج اهش اد: (۲۲ صامت)
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ت ا ر ا ک ا ه ا ر ا چ ا م ا ر ا د ا س ا ت ا د ا ر ا ج ا ه ن ا د ر: (۱۸)
گزینه «۲»: ت ا ف ا ر ا ن ا ی ا ر ا د ا ک ا س ا س ا ر ا ب ا ت ا ج ا س ا ل ا ط ن: (۱۸)
گزینه «۴»: ک ن ا ج ا ک ا ب ا ر ا ف ا پ ا ش ا ه م ا د ا ش ا ت ا گ ا ل ا گ ر ا ف ا ت: (۲۰)
(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۳۸)

۵۹- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا امیری)
مصوت‌های بلند «ای» در کلمات «پیش»، «این»، «بیش»، «این» و «اندیشه» مشهود است و صامت «ی» در یای میانجی (در ترکیب «اندیشه عشاق») به گوش می‌رسد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: صامت «ی» در کلمات «پیوسته» و «باید» فاقد مصوت «ای»
گزینه «۲»: مصوت «ای» در کلمات «چندین» و «می‌کشد» فاقد صامت «ی»
گزینه «۳»: صامت «ی» در کلمات «ای» و «پیوسته» فاقد مصوت «ای»
(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۳۸)

۶۰- گزینه «۲»

صامت‌های ساکن در گزینه‌ها:

گزینه «۱»: (شوق) + (شوق) + د + ن (یقین) + س + ت (۶ مورد)
گزینه «۲»: م + ک + ه + س + ر + ن (کمین) + س + ت (۸ مورد)
گزینه «۳»: ن + ح + ش + س + ن + ن + د (۷ مورد)
گزینه «۴»: ه + ر + د + ر + ن + س + ت (۷ مورد)
(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۳۸)

۶۱- گزینه «۳»

بررسی اوزان ابیات:

گزینه «۱»: «فاعلاتن (فعالتن) مفاعیلن فعلن»
گزینه «۲»: «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن (فعلن)»
گزینه «۳»: «مفعول مفاعیلن فعولن یا مستفعل فاعلاتن مستف (فع لن)»
گزینه «۴»: «مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع»
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۶۲- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا امیری)
مفاعیلن (خ ی ل و ص) فعلاتن (ل ت ا م ا ر) مفاعیلن (ن بو ذ آ) فعلاتن (ب ح یا تم)
مفاعیلن (ف غان ز آ) فعلاتن (ت ش سو ز) مفاعیلن (ج گر ذ قی) فعلاتن (ق ذ قی ق)
هجای هشتم مصراع دوم در تقطیع هجایی کوتاه است؛ ولی بنا بر ضرورت وزن شعر، بلند تلفظ می‌شود. این مورد را در درس پنجم علوم و فنون ادبی ۳ تحت عنوان اختیارات زبانی خواهیم خواند.
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۶۳- گزینه «۱»

(سیدعلیرضا امیری)
وزن بیت گزینه «۱»، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است - که وزنی است ناهمساز - و بنابر دسته‌بندی هجایی متفاوت می‌توانیم وزن «مستفعل مستفعل مستفعل مستف» - که وزنی همساز است - را برای آن در نظر بگیریم.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (همسان) قابلیت دسته‌بندی هجایی دوگانه را ندارد.
گزینه «۳»: «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (ناهمساز) و بنابر دسته‌بندی هجایی متفاوت: مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل (ناهمساز)
گزینه «۴»: «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (همسان) و بنابر دسته‌بندی هجایی متفاوت: مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن (همسان)
توضیح نکته درسی:

اوزانی که دسته‌بندی هجایی دوگانه‌ای دارند:
مفعول مفاعیلن فعولن = مستفعلن فاعلاتن فعلن (هر دو ناهمساز)
مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن = مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل (هر دو ناهمساز)
مفعول مفاعیل مفاعیل فعل = مستفعلن مستفعلن مستفعلن فعل (اولی ناهمساز و دومی همساز)
مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن = مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن (هر دو همساز)
مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن = مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن (هر دو همساز)
مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن = مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستف (اولی ناهمساز و دومی همساز)
مفعول مفاعیلن مفاعیلن = مستفعلن فاعلاتن مفعولن (هر دو ناهمساز)
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۶)

۶۴- گزینه «۴»

(کاتظم کاطمی)

ر	عُم	تْ	شِق	عَا	لْ	بْ	بُلْ
خ	شَا	رُ	سَب	وَد	شَ	غ	يَا
U	-	U	-	-	U	U	-
فاعلات				مفتعلن			

خِر	ء	ک	ه	خَا
يَد	رَا	بْ	بْ	گُلْ
-	-	U	U	-
مفتعلن				
فع				

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۶۵- گزینه «۴»

(یاسین مهریان)
این بیت، در وزن «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن» سروده شده است که وزنی همساز می‌باشد و با حذف ردیف (کن)، به وزن «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعولن» می‌رسیم که از اوزان ناهمساز به‌شمار می‌آید.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وزن بیت، «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» است که با حذف ردیف آن (کرد)، به وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل» می‌رسیم و هر دوی این وزن‌ها، ناهمساز هستند؛ یا اگر وزن این گزینه را، «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستف» در نظر بگیریم، با حذف ردیف، به «مستفعلن مستفعلن مستفعلن فعل» می‌رسیم که هر دو وزن، همساز اند.
گزینه «۲»: وزن بیت، «مفعول مفاعیلن مفاعیلن» است که با حذف ردیف آن (را)، به وزن «مفعول مفاعیلن فعولن» می‌رسیم و هر دوی این وزن‌ها، ناهمساز اند.

گزینه «۳»: وزن بیت، «فاعلاتن فعلاتن مفاعیلن فعولن» است که با حذف ردیف آن (می‌دانیم)، به وزن «فاعلاتن فعلاتن فعولن» می‌رسیم و هر دوی این وزن‌ها، همساز هستند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

**تشریح گزینه های دیگر:**

گزینه «۱»: شاعر خود را داغدار عشق دشوار می‌داند و به تن‌آسانی [رفاه‌طلبی] در راه دشواری‌های عشق، بی‌توجه است.

گزینه «۲»: شاعر عشق را به دریایی خون‌فشان تشبیه می‌کند که در ابتدا فکر می‌کرد دل‌زدن به این دریا امری سهل و آسان است.

گزینه «۳»: صائب مدعی است که عشق را رها خواهد کرد و [تحمل] باری چنین دشوار از او بر نمی‌آید، اما با این‌همه، او از کار دشوار [دشواری‌های راه عشق] سخن می‌گوید.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهومی، صفحه ۵۱)

علوم و فنون ادبی (۲)**۷۱- گزینه «۳»**

(مجتبی فرهادی)

تاریخ‌نویسی از اوایل دوره مغول، به سبب علاقه شدید آنان به ثبت وقایع مربوط به پدران و اجدادشان شروع شد و در دوره تیموری هم ادامه یافت.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۷۲- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

در گزینه «۳» از مختصات زبانی کهن استفاده نشده است، اما در گزینه‌های دیگر «اندر»، «مر» و «همی» از نشانه‌های زبان کهن هستند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه ۳۶)

۷۳- گزینه «۴»

(کلام کلامی)

بررسی مجازها در ابیات:

گزینه «۱»: دل ← توجه، رغبت، میل / سر ← قصد، تصمیم / چمن ← باغ و بوستان (۳ مورد)

گزینه «۲»: روز ← وقت، زمان / عالم ← مردم / امروز ← زمان حال، این دنیا / فردا ← آخرت (۴ مورد)

گزینه «۳»: سبزه ← گیاه، رستنی، چمنزار / فردا ← آینده / امروز ← زمان حال / خاک ← قبر، گور (۴ مورد)

گزینه «۴»: خون ← قتل و کشتن یا کشته شدن / تربت ← گور، قبر (۲ مورد)

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۷۴- گزینه «۲»

(سپار غلام‌پور)

گزینه «۲» فاقد مجاز است و لب پیمانه در اینجا در معنی حقیقی به‌کار رفته است و معنی مجازی ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: قلم مجاز از فرمان و دستور

گزینه «۳»: گل مجاز از بهار

گزینه «۴»: خون مجاز از کشتن

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۷۵- گزینه «۳»

(سپار غلام‌پور)

در این گزینه «نرگس» مجاز از چشم به علاقه شباهت است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: پیمانه مجاز از شراب به علاقه محلیه

گزینه «۲»: دم مجاز از سخن گفتن به علاقه سببیه

گزینه «۴»: خون مجاز از کشتن و مرگ به علاقه لازمیه

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۶۶- گزینه «۳»

(مجتبی فرهادی)

وزن بیت گزینه «۳» از پایه‌های آوایی ناهمسان است: مفاعن فعلاتن مفاعن فعلم.

سایر گزینه‌ها دارای وزن همسان (تک پایه‌ای یا دولختی) هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفتعلن مفتعلن فاعلمن (تک پایه‌ای)

گزینه «۲»: مفاعن فعلاتن مفاعن فعلاتن (دولختی)

گزینه «۴»: فعلاتن فعلاتن فعلمن (تک پایه‌ای)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۶۷- گزینه «۳»

(سپار غلام‌پور)

وزن این بیت «مفاعن فعلاتن مفاعن فعلاتن» است که از وزن‌های دولختی می‌باشد. وزن ابیات دیگر درست آمده‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۶۸- گزینه «۱»

(کلام کلامی)

در بیت صورت سؤال به «خوش‌خلقی» و «وفاداری» بار اشاره شده است، اما مفهوم مقابل آن، یعنی «تندخویی» و «بی‌وفایی» در بیت گزینه «۱» بیان شده است.

مفاهیم سایر ابیات:

گزینه «۲»: بیان زیبایی و وفاداری یار

گزینه «۳»: اشاره به عدم سخاوت و کرم ممدوح و توصیه به حسن خلق و خوش‌رفتاری از جانب او

گزینه «۴»: بیان بی‌وفایی زیبارویان (زیبارویان اهل وفا نیستند).

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۲۳)

۶۹- گزینه «۳»

(فرهاد فروزان‌کیا)

مفهوم کلی جمله نخست، توصیه به رازپوشی عاشقانه است که این مفهوم در بیت گزینه «۳» دیده می‌شود و در گزینه‌های دیگر، مفهوم مقابل (راز عشق نهفتنی نیست) دیده می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: رازپوشی عاشقانه ممکن نیست؛ چراکه رنگ [زرد] عاشقان، آشکارکننده راز عشق است (راز عشق نهفتنی نیست).

گزینه «۲»: درمانده‌نهفتن راز عشق هستم؛ چراکه [مثل] نامه‌های [اعمال] روز قیامت، نقاب‌ها را به کنار می‌زند و حقایق را روشن می‌کند (راز عشق نهفتنی نیست).

گزینه «۴»: از بس عشق، خود را نشان می‌دهد، رازپوشی عاشقانه [چون حیابی] میسر نیست و آب می‌گردد (راز عشق نهفتنی نیست).

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهومی، صفحه ۵۴)

۷۰- گزینه «۴»

(فرهاد فروزان‌کیا)

مفهوم کلی بیت صورت سؤال، دشواری‌های راه عشق و تحمل این مشکلات است که این مفهوم در بیت گزینه «۴» دیده نمی‌شود. در این گزینه، شاعر بر بخشندگی و دست‌بخشندگی تأکید دارد و صحبتی از دشواری‌های عشق نیست.



علوم و فنون ادبی (۱)

۸۱- گزینه ۲

(مجتبی فرهاری)

شعر حکمی و اندرزی (تعلیمی) در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم به وجود آمد، اما در دوره سلجوقیان به پختگی رسید.
(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۴۳)

۸۲- گزینه ۱

(سیدعلیرضا علویان)

الف) فارسی میانه به دو گروه پهلوی و پارسی تقسیم می‌شود.
ب) آثار باقی‌مانده از زبان فارسی باستان، فرمان‌ها و نامه‌های شاهان هخامنشی است که به خط میخی نوشته شده است.
ج) فارسی دری یا نو با کنارگذاشتن برخی از صداهای زبان عربی الفبای آن را پذیرفت.
(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۰)

۸۳- گزینه ۴

(ممنن اصغری)

کلمات «محبوب» و «مستور» سجع متوازن دارند.
(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۵۲ و ۵۳)

۸۴- گزینه ۲

(کاظم کاظمی)

سجع‌های موجود در عبارت «ب» متوازی و در عبارت «ه» مطرف هستند.
بررسی سجع‌ها در سایر عبارات:
گزینه ۱: الف) بگشاد و بگماشت: متوازن (د) سیاه و سپید: متوازن
گزینه ۳: ج) برخاستم و بیاراستم: مطرف / ه) می‌رسید و می‌دید: مطرف
گزینه ۴: ب) بسفت و بگفت: متوازی / و) بیگاه و کوتاه: متوازی
(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، صفحه‌های ۵۲ و ۵۳)

۸۵- گزینه ۴

(سیدعلیرضا امیری)

فقط «توحید- تجرید» سجع متوازی هستند.
در گزینه‌های «۳» و «۱» سجع مطرف و در گزینه «۲» سجع متوازن مشهود است.
(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۸۶- گزینه ۳

(سیدعلیرضا امیری)

الف) در واژه‌های «ای» و «از» صامت است و در واژه «لفاظ» اولی صامت و دومی مصوت است. در واژه «آفاق» نیز الف‌ها، مصوت هستند. در سایر گزینه‌ها همه الف‌ها مصوت تلقی می‌شوند. دو راه برای درک تمایز این دو وجود دارد. راه اول این است که بدانید هیچ هجایی با مصوت شروع نمی‌شود، پس الفی که در ابتدای هجا می‌آید، صامت همزه است. راه دوم اینکه هرگاه الف، صدایی معادل به «ع» داد و تلفظ آن همراه با انسداد هوا در گلو بود، صامت است.

توضیح نکته درسی: «آ» دو واج محسوب می‌شود. واج اول آن همزه است که به شکل مد (-) نوشته می‌شود و دیگری «ا» که مصوت بلند است. پس الف در واژه «آفاق» در ابتدای هجا نیامده است و پس از علامت مد آمده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه ۴۸)

۷۶- گزینه ۴

(سیار غلام‌پور)

دش مَن گر (مفتعلن)، دوست ش ود (مفتعلن)، چند بار (فاعلن)
صاحب عق (مفتعلن)، لش نشما (مفتعلن)، رد به دوست (فاعلن)
(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۷۷- گزینه ۳

(پوریا حسین‌پور)

وزن مصراع‌های «ب» و «پ» به ترتیب عبارت است از: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعل» و «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن».
(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۷۸- گزینه ۳

(مجتبی فرهاری)

بیت این گزینه بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» سروده شده است ولی سایر گزینه‌ها بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» سروده شده‌اند.
(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه ۴۵)

۷۹- گزینه ۴

(کاظم کاظمی)

مفهوم مشترک ابیات «ب و ه»: «چشم‌انتظاری» و «شب‌بیداری» عاشق به امید رسیدن یار یا خبری از او
مفاهیم سایر ابیات:

الف) توصیف زیبایی یار و شگفتی شاعر از جمال او
ج) بیان لطف و عنایت ممدوح
د) میسر شدن وصل و فرارسیدن دوران خوشبختی

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، ترکیبی)

۸۰- گزینه ۳

(سیرمهر هاشمی)

در بیت صورت سؤال، به اتحاد ارواح و یکی‌بودن جان عاشق و معشوق اشاره شده است. به صورت دقیق تر می‌توان گفت وجود معشوق (معبود) و فنای عاشق در وجود او؛ در نتیجه این بیت به دیدگاه وحدت وجود اشاره دارد. این نکته در همه گزینه‌ها دیده می‌شود، جز گزینه «۳». در گزینه «۲»، برخلاف مفهوم بیت صورت سؤال می‌گوید ما در جهان ارواح و عالم ملکوت یکی بوده‌ایم، اما در این جهان، حتی به اندازه یک جو از آن یکپارچگی باقی نمانده و همه متکثر شده‌ایم.

در مورد بیت گزینه «۱» این توضیح لازم است که منظور از صدفی که ما و من را می‌بلعد، وجود حق است. «ما و من» وجودهای متکثری است که در دیدگاه وحدت وجودی، وجود واقعی ندارند و فقط حق (معبود) است که وجود دارد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۴۰)



جامعه‌شناسی (۳)

۹۱- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

دانش عمومی: دانش کاربران و سخنگویان زبان فارسی (ج)
شکل‌گیری علم ویژه: فراهم شدن دانش علمی قابل توجه در رابطه با یک موضوع (ب)
ذخیره دانشی: راهنمای زندگی (الف)
عدم سازگاری هر دانش علمی با هر دانش عمومی: پیامد تأثیر و تأثر دانش عمومی و علمی از یکدیگر (د)

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه‌های ۳، ۵، ۷ و ۸)

۹۲- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

دانش عمومی، گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی ماست. ما درباره دانش عمومی کمتر می‌اندیشیم؛ بیشتر از آن استفاده می‌کنیم و در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم. دانش عمومی برای زندگی اجتماعی، مانند هوا برای انسان است. انسان همواره از هوا استفاده می‌کند، اما اغلب متوجه آن نیست و از اهمیت آن غافل است. اگر این آگاهی‌ها و دانش‌ها نباشند، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرومی‌پاشد. این دانش را انسان‌ها در طول زندگی خود به دست می‌آورند؛ یعنی این دانش، حاصل از زندگی است. ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی، با دیگری که در همان جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. یادگیری این دانش از بدو تولد آغاز می‌شود و تا پایان عمر ادامه دارد.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه‌های ۳ تا ۵)

۹۳- گزینه «۱»

(فاطمه صفری)

تشریح موارد نادرست:

همه کسانی که از دانش عمومی برخوردارند، مشکلات زندگی اجتماعی را می‌شناسند و برای حل برخی از آن‌ها راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند. اما افرادی که درباره این مسائل شناخت علمی دارند، از شناختی دقیق برخوردارند و می‌توانند برای آن‌ها راه‌حل‌های صحیح پیدا کنند.
کسی که دانش علمی دارد، به درک عمیقی از دانش عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد؛ آسیب‌ها و اشکالاتی را که به دانش عمومی راه پیدا کرده‌اند، شناسایی می‌کند و قدرت پیدا می‌کند که از حقایق موجود در دانش عمومی دفاع کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه‌های ۲، ۵ و ۶)

۹۴- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

این دیدگاه در تقابل با رویکرد اول، این ادعا را که دانش علمی، راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی است، انکار می‌کند و همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. دانش‌ها کشف و بازخوانی واقعیت نیستند، بلکه خلق و بازسازی آن هستند که انسان‌ها برای سامان دادن به زندگی خود تولید می‌کنند. برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند و به عکس دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی می‌داند. در برخی از نخله‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌پاشد.

(جامعه‌شناسی (۳)، ذخیره دانشی، صفحه ۸)

۸۷- گزینه «۲»

(پوریا حسین‌پور)

گزینه «۲»: چ، ک، ت، ی، ج، و؛ ۶ مورد
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ت، د، ل، ب، خ، م، ب؛ ۷ مورد

گزینه «۳»: غ، س، ت، ه، ن، ت، غ، م؛ ۱۰ مورد

گزینه «۴»: خ، د، ک، ر، پ، ر، ت؛ ۱۰ مورد

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۸۸- گزینه «۲»

(میثقیل فرهاری)

آ س مان / بر د یا: - U -

آ س یاب / هم ن ورد: - U - U

آ د ب یات / ه د ف علم: - U - UUU

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «مشترک» با «آسیاب» الگوی هجایی یکسانی ندارند. (هجای آخر در «مشترک» بلند است، در حالی که در کلمه «آسیاب» کشیده است).
گزینه «۳»: هجای آخر کلمه «محتوا» با «آسیاب» یکسان نیست (هجای آخر در «محتوا» بلند است، در حالی که در کلمه «آسیاب» کشیده است) و همچنین کلمه «خدماتی» با «ادبیات» الگوی هجایی یکسانی ندارند. (هجای آخر در «خدماتی» بلند است، در حالی که در کلمه «ادبیات» کشیده است)
گزینه «۴»: «ملوانان» با «ادبیات» الگوی هجایی یکسانی ندارند. (هجای آخر در «ملوانان» بلند است، در حالی که در کلمه «ادبیات» کشیده است)
(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۸۹- گزینه «۴»

(مفسن اصغری)

مفهوم مشترک ابیات با عبارت سؤال:

عاشق و عارف واقعی معشوق و خداوند را بر بهشت و دیگر زیبایی‌ها ترجیح می‌دهد.

مفهوم گزینه «۴»: شاعر حضور و ورود یار را در زیبایی به بهشت تشبیه کرده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهومی، صفحه ۵۸)

۹۰- گزینه «۴»

(سیرمهر هاشمی)

در بیت صورت سؤال، تأکید سعدی شیرازی بر آن است که آنچه باقی می‌ماند، معنی و باطن است و انسان هوشمند برای ظاهر، ارزشی قائل نیست. در بیت گزینه «۴» نیز شاعر، صورت را پوست و معنی را مغز دانسته است و آنچه اصل می‌باشد، مغز است نه پوست.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: فردوسی در این بیت درباره آفرینش مردم (انسان) سخن می‌گوید و منظورش این است که از دیدگاه خرد یک بار ببین که معنی مردم (معنی انسان بودن) چیست.

گزینه «۲»: در این بیت، شاعر دوگانه صورت و معنی را به رسمیت نمی‌شناسد و توصیه‌اش این است که باید خود را از این تشویش‌هایی که از عقل برمی‌خیزد، جدا کرد.

گزینه «۳»: بیت مدحی است و شاعر می‌گوید خشم شاه و آتش فقط در لفظ با هم تفاوت دارند، و گرنه معنی‌شان یکی است؛ یعنی خشم شاه همان آتش است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهومی، صفحه ۵۰)



۹۵- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کند. وقتی چنین رویکردی، به جوامع دیگر که دانش علمی را به دانش تجربی منحصر و محدود نمی‌بینند و علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند سرایت می‌کند، در این جوامع، تعاریف متفاوت و گاه متضادی از علم رواج می‌یابد و در ذخیره دانشی آن‌ها تعارض‌هایی پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دو سویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود؛ دانش عمومی به‌طور همه‌جانبه از دانش علمی حمایت نمی‌کند، دانش علمی از رشد و رونق لازم باز می‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.

(جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۹۶- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

آگاهی درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری ← شیوه صحیح استفاده از طبیعت و علوم طبیعی

خودبه‌خود اتفاقی در جهان رخ نمی‌دهد ← قانون علیت

شکل‌گیری جامعه‌شناسی خرد ← شناخت کنش اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۶)

۹۷- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

وجود انسان به ابعاد اجتماعی‌اش تقلیل نمی‌یابد ← قائل شدن به موضوعات متفاوت علوم انسانی و علوم اجتماعی

فراهم آوردن فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب برای دانشمندان ← داوری درباره پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آن‌ها

شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوت ← ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان

در امان ماندن از آسیب‌های اجتماعی زندگی در اجتماعات مختلف ← کشف نظم و قواعد جهان اجتماعی توسط دانشمندان علوم اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۱، ۱۳ و ۱۶)

۹۸- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

فراهم ساختن زمینه فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف از یکدیگر ← افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها

شناخت پدیده‌های اجتماعی ← پیش‌بینی آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی

مقایسه علوم طبیعی و علوم اجتماعی ← پی‌بردن به برخی فواید علوم اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۶)

۹۹- گزینه «۲»

(آزیتا بیرقی)

ملاک ارزیابی رشته‌ها ← آینده شغلی
پیش‌بینی در آن پیچیده‌تر از علوم طبیعی است ← علوم اجتماعی

به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند ← پدیده‌های طبیعی

اثرگذاری و اثرپذیری اجتماعات انسانی بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کنند ← علوم اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۱۷)

۱۰۰- گزینه «۲»

(ارغوان عبدالملکی)

در دیدگاه اول، تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آن‌هاست. دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام‌مند به دست می‌آید ولی دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی افراد است که از راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به دست می‌آید. دانش علمی (تجربی) راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است. دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است. دانش علمی برای حفظ هویت خود باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم، جلوگیری کند.

جامعه‌شناسی خرد، کنش اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی خرد را بررسی و مطالعه می‌کند و جامعه‌شناسی کلان، ساختار اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی کلان را بررسی و مطالعه می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۸ و ۱۶)

جامعه‌شناسی (۱)

۱۰۱- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

عده‌ای از جامعه‌شناسان جهان‌های اجتماعی را در طول هم می‌دانند و معتقدند همه جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند و بر همین اساس مسیر یکسانی را نیز طی می‌کنند؛ یعنی همه آن‌ها شبیه یک نوع موجود زنده‌اند و تفاوتشان همانند تفاوتی است که آن موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود از دوران کودکی تا مراحل بزرگسالی پیدا می‌کند. این عده، نگاه خطی به تاریخ بشر دارند. در این دیدگاه، همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند؛ بعضی از آنها در این مسیر واحد، پیشرفته‌ترند و بعضی در مقایسه با جوامع پیشرفته، عقب مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب مانده‌اند، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۱۰۲- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

یکی از مهم‌ترین انتقادات به خودمداری فرهنگ غرب و تصور ساده آن از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.

دورکیم حرکت جوامع بشری را به دو مقطع تقسیم می‌کند. جوامع مقطع نخست را جوامع مکانیکی و جوامع مقطع دوم را جوامع ارگانیکی می‌نامد. در جوامع مکانیکی تقسیم کار اجتماعی شکل نگرفته است یا در حد ساده و ابتدایی است مانند تقسیم کار سنی و جنسی، ولی در جوامع مکانیکی تقسیم کار گسترده وجود دارد.

اگرچه انسان امروزی براساس تجربیات واقعی، استعمار را به معنی استثمار (بهره‌کشی به نفع از دیگران و دسترنج آن‌ها) درمی‌یابد؛ ولی در سده‌های پیشین، نظریه استعمار به معنای طلب آبادانی برای جوامع عقب‌مانده بود.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۵، ۳۸ و ۳۹)

۱۰۳- گزینه «۴»

(فاطمه صفری)

تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آن‌ها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.

تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی باشد و به حوزه نمادها و هنجارها بازگردد، از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی واحد رخ می‌دهد.



همه ما در جهان اجتماعی متولد می‌شویم و پس از ما نیز، جهان اجتماعی همچنان وجود دارد. اگر ما فقط جهانی را ببینیم که در آن متولد شده‌ایم، شاید گمان کنیم جهان اجتماعی تنها یک شکل دارد. ولی هنگامی که چشم خود را بر جوامع دیگری می‌گشاییم که هم اینک در دیگر نقاط دنیا وجود دارند؛ یا وقتی به تاریخ گذشته خود رجوع می‌کنیم و جهان خود را با آنان مقایسه می‌کنیم، به تنوع جهان‌های اجتماعی پی می‌بریم.

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۷)

۱۰۴- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

این شکل مربوط به دیدگاه کسانی است که برای همه جوامع مسیر مشابه و واحدی ترسیم می‌کنند و نگاه تک‌خطی به تاریخ دارند. به نظر این عده جوامع عقب‌مانده باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند و تحولات آن‌ها نه براساس آرمان‌هایشان بلکه مطابق جوامع پیشرفته باشد.

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۱۰۵- گزینه «۲»

(آزیتا بیرقی)

عبارت «اول»: تنوع جهان‌های اجتماعی
عبارت «دوم»: تفاوت‌های درون یک جهان اجتماعی واحد
(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

۱۰۶- گزینه «۲»

(آزیتا بیرقی)

الف) دانایی از نادانی بهتر است. ← ارزش نهاد تعلیم و تربیت
ب) اجزای جهان‌های اجتماعی ← پدیده‌های اجتماعی
ج) کنش‌های درونی و عقاید و ارزش‌های اجتماعی ← بُعد معنایی و ذهنی بیشتری دارند.

د) عدالت اجتماعی ← پدیده اجتماعی ذهنی و کلان
(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۲۷، ۲۸ و ۳۱)

۱۰۷- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

تصور سفر بی‌بازگشت به مریخ ← ذهنی (نامحسوس) و کلان
علاقه به ساخت فیلمی خاص ← ذهنی و خرد
شرکت در جشن فارغ‌التحصیلی یک دوست ← عینی و خرد
آزادی بیان ← ذهنی و کلان

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۲۷ و ۲۸)

۱۰۸- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

در تمامی جهان‌ها وجود دارد، ولی انواع و اشکال متفاوتی دارد ← نهاد اجتماعی

باور و اعتقاد به جایگاه انسان در جهان و تفسیر او از زندگی و مرگ ← عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی

صاحبان کشورهای نفت‌خیز از اهمیت نفت و وضعیت کشورهای صنعتی و نیاز آن‌ها به نفت اطلاع کافی ندارند ← مقفود بودن بُعد ذهنی و معنایی نفت

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۲۸، ۳۰ و ۳۱)

۱۰۹- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

برخی از دانشمندان، پدیده‌های اجتماعی را براساس اندازه و دامنه آن‌ها، تقسیم می‌کنند. در این تقسیم‌بندی می‌توان طیفی ترسیم کرد که در یک سوی این طیف، پدیده‌های خرد، مثل کنش اجتماعی افراد و در سوی دیگر پدیده‌های کلان، مثل نظام اجتماعی قرار دارند و در میانه پیوستار پدیده‌هایی که دامنه متوسط دارند، قرار می‌گیرند.

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۲۷)

۱۱۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

هیچ‌یک از اجزای جهان اجتماعی بدون معنا نیست؛ به همین دلیل، همه پدیده‌های اجتماعی، هویتی معنایی و ذهنی دارند، اما همه پدیده‌های اجتماعی دارای بُعد محسوس و عینی نیستند.

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۲۷)

جامعه‌شناسی (۲)

۱۱۱- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی و اندیشه‌های فلسفی روشنگری و رنسانس ← انقلاب فرانسه (ب)
فراهم شدن زمینه‌های عبور از اقتصاد کشاورزی ارباب- رعیتی ← رشد تجارت، کشف آمریکا و بالا گرفتن تب طلا (الف)
جنگ‌های صلیبی، مواجهه اروپاییان با مسلمانان و فتح قسطنطنیه ← ایجاد زمینه‌های فروریختن اقتدار کلیسا (ج)

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۷، ۴۹، ۵۲ و ۵۳)

۱۱۲- گزینه «۲»

(آزیتا بیرقی)

فیلسوفان روشنگری با فلسفه‌های روشنگری فرهنگ معاصر غرب را پدید آوردند. ← دکارت و روسو
گروه‌هایی که با تحولات بعدی جهان غرب همراهی نکردند. ← آمیضاها
در گسترش فرهنگ سکولار در فرهنگ عمومی غرب نقش داشتند ← کالون و لوتر

فروریختن اقتدار کلیسا سبب شد تا در دوران رنسانس پادشاهان فرصت ظهور پیدا کنند ← رقیبان دنیاطلب کلیسا

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹ و ۵۱)

۱۱۳- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

سکولاریسم پنهان، شامل دیدگاه‌ها، فلسفه‌ها و جهان‌بینی‌هایی است که به نفی ابعاد معنوی هستی نمی‌پردازند؛ بلکه بخش‌هایی از عقاید معنوی و دینی را در خدمت نظام دنیوی و این جهانی قرار می‌دهند و از توجه یا عمل به بخش‌های دیگر، سر باز می‌زنند. رویکرد گزینشی جهان غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان، سبب پیدایش و رشد برخی از نهضت‌های جدید دینی شد که از آن با عنوان «پروتستانتیسم» یاد می‌شود.

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۳۸ و ۴۳)

۱۱۴- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

سکولاریسم، مهم‌ترین ویژگی هستی‌شناختی فرهنگ معاصر غرب و به معنای رویکرد دنیوی و این جهانی به هستی و جهان می‌باشد که غلبه آن بر فرهنگ غرب، چنین پیامدی را در پی داشته است.

(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۳۸)



۱۱۵- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

در فرهنگ دینی اسلام، انسان به‌عنوان برترین آیت و نشانه‌ی خداوند سبحان است و در فرهنگ قرآن، کرامت و خلافت انسان هنگامی تحقق پیدا می‌کند که آدمی از محدودیت‌های دنیوی و این‌جهانی خود فراتر می‌رود.
(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۳۹)

۱۱۶- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

خواست و اراده‌ی آدمی را مبدأ قانون‌گذاری می‌داند. ← اندیشه‌ی سیاسی لیبرال
نظام ارباب- رعیتی در غرب ← فئودالیسم
رفتارهای دنیوی، توجیه دینی می‌شد. ← قرون وسطی
از شعارهای معنوی استفاده می‌کردند و سکولاریسم عملی را دنبال می‌کردند. ← آباء کلیسا
(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۷، ۵۲ و ۵۳)

۱۱۷- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

عبارت «من پروردگار برتر شما هستم» ← پنهان‌سازی ابعاد دنیوی و خواسته‌های نفسانی افراد در قالب مفاهیم دینی
حقوق بشر ← پیامد اندیشه‌ی اومانستی و خواسته‌ها، عادات و تمایلات طبیعی آدمیان
سکولاریسم به معنای ← رویکرد دنیوی و صرفاً این‌جهانی به هستی است.
(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۳۸، ۴۰ و ۴۱)

۱۱۸- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

از جهت نظری، مسیحیت آمیخته با رویکردهای اساطیری شده و با قبول تثلیث از ابعاد عقلانی توحید دور ماند. از جهت عملی، مسیحیان و از جمله آباء کلیسا در تعامل با فرهنگ امپراتوری روم، به سوی نوعی دنیاگرایی گام برداشتند. آباء کلیسا در این مقطع، عملکرد دنیوی خود را تحت پوشش معنوی و دینی توجیه می‌کردند.
(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۳۹)

۱۱۹- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

فرهنگ اساطیری یونان و روم باستان، با غفلت از نگاه توحیدی به عالم، مراحل از توجه به عالم کثرت را بدون توجه به خداوند واحد طی کرده بود. در این فرهنگ خداوندگاران متکثر پرستیده می‌شوند.
(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۷ و ۴۹)

۱۲۰- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

آریوس، «عیسی را مخلوقی می‌دانست که خداوند به واسطه‌ی او جهان را آفریده است» و ماسدونیوس «الوهیت روح‌القدس را نمی‌پذیرفت».
(پایه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۵۰)

جامعه‌شناسی (۱)

۱۲۱- گزینه «۱»

(نگار غلامی)

بررسی گزینه‌ها:
گزینه «۱»: تورم یک پدیده‌ی بسیار کلان است، اما سازمان بورس یک پدیده‌ی میانی است که به بزرگی اصل تورم نیست، سازمان بورس کشوری از یک جمعه‌بازار قطعاً بزرگ‌تر است.

گزینه «۲»: کتابخانه‌ی مدرسه‌ی ما یک پدیده‌ی خرد، کتابخانه‌ی ملی یک پدیده‌ی کلان و کتابخانه‌ی مرکزی تهران یک پدیده‌ی میانه است.
گزینه «۳»: امنیت یک پدیده‌ی کلان، پادگان یک پدیده‌ی میانه و سرباز یک پدیده‌ی خرد است.

گزینه «۴»: حقوق شهروندی یک پدیده‌ی کلان، قوانین یک شرکت یک پدیده‌ی میانه و بی‌توجهی کارمند به رئیس یک کنش اجتماعی است که خردترین پدیده‌ی اجتماعی است.
نکته: اندازه و دامنه‌ی یک پدیده‌ی اجتماعی، موضوعی نسبی است، یعنی یک پدیده می‌تواند در مقایسه با پدیده‌ی دیگر، خرد باشد و در مقایسه با پدیده‌ی دیگر کلان باشد.
(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۲۷)

۱۲۲- گزینه «۲»

(نگار غلامی)

نهادها در تمامی جهان‌های اجتماعی وجود دارند، ولی انواع و اشکال آن‌ها متفاوت با یکدیگر است.
(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۰ و ۳۱)

۱۲۳- گزینه «۱»

(نگار غلامی)

کارت قرمز، بیانگر یک نماد در بازی فوتبال است و نمادها، از آشکارترین و سطحی‌ترین پدیده‌های اجتماعی هستند.
(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۲۹ و ۳۰)

۱۲۴- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

در نظام تعلیم و تربیت:

- دفتر، قلم، تخته‌سیاه و کلاس = نمادها
- برای دانا شدن باید به مدرسه رفت. = هنجار
- دانایی بهتر از نادانی است. = ارزش
- انسان تربیت‌پذیر است. = عقیده

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۳۱)

۱۲۵- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

عقاید و ارزش‌ها در لایه‌های عمیق قرار می‌گیرند. عمیق‌ترین لایه‌ی جهان اجتماعی، عقاید کلانی بوده که بر آرمان‌ها و ارزش‌های «اجتماعی» تأثیر می‌گذارد. باور و اعتقادی که انسان نسبت به اصل جهان و جایگاه انسان در آن دارد و تفسیری که انسان از زندگی و مرگ خود دارد، عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی‌اند.
(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۳۰)

۱۲۶- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

انسان‌ها در برابر فرهنگی که از طریق آموزش و تربیت به آن‌ها منتقل می‌شود، فقط موجودی منفعل و پذیرنده نیستند، بلکه کنشگری فعال و تأثیرگذار نیز به حساب می‌آیند.
(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

۱۲۷- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

تغییرات هنجارها و نمادها مربوط به لایه‌های سطحی و تغییرات عقاید و ارزش‌ها مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی است و دلیل تفاوت همکاری اعضا و اجزای جهان اجتماعی انسان‌ها با موجودات دیگر این است که رفتار آن موجودات، ناآگاهانه یا غریزی است.
(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)



۱۲۸- گزینه «۳»

(آزیتا بیرقی)

- تفاوت‌های درون یک جهان اجتماعی: تفاوت‌های مربوط به پدیده‌های سطحی (هنجارها، نمادها، کنش‌ها و رفتارها)
- تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی: تفاوت‌های مربوط به لایه‌های عمیق (عقاید و ارزش‌ها)

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

۱۲۹- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)

تفاوت‌هایی که به حوزه نمادها و هنجارها بازمی‌گردد، از نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف نیست؛ بلکه از نوع تفاوت‌هایی است که در درون یک جهان اجتماعی پذیرفته می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۳۷)

۱۳۰- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

مطابق نظریه «جهان‌های اجتماعی در عرض هم»، هیچ فرهنگی نمی‌تواند با حفظ هویت خود، مسیر فرهنگ دیگر را ادامه دهد.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۳۹)

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۳۱- گزینه «۲»

(پرویز وغان)

«اصبر»: صبر کن (رد گزینه ۳) / «إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»: قطعاً (بی‌شک) وعده خدا حق است (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ»: برای گناهت آمرزش بخواه (طلب آموزش کن) (رد گزینه‌های ۱ و ۴)؛ دقت کنید «ذنب» مفرد است و باید مفرد ترجمه شود، همچنین «از خدا» در گزینه ۴، اضافی است و معادلی در آیه شریفه داده شده ندارد.

(ترجمه)

۱۳۲- گزینه «۳»

(سیره مهیا مؤمنی)

«حَبْرَتَنَا»: ما را متحیر کرد (رد گزینه ۱) / «تَنْظِنِينَ»: گمان می‌کنی / «أَنْ تَكُونِ»: که باشد (رد گزینه ۲) / «تلك الواقعة»: آن حادثه (رد گزینه ۴) / «فلمأ خيالياً»: یک فیلم خیالی، فیلمی خیالی (رد گزینه ۲)

(ترجمه)

۱۳۳- گزینه «۱»

(کلاطم غلامی)

«لاحظ الناس»: مردم ملاحظه کردند (رد گزینه ۲) / «نهر قریتهم»: رودخانه روستای خود را (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «مُحَقَّقاً»: خشک (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «دعوا ربتهم»: پروردگار خود را خواندند (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «أَنْ يُشِيرَ»: برانگیزد (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «الغیوم»: ابرها (رد سایر گزینه‌ها؛ دقت کنید «الغیوم» جمع و معرفه است و باید به همین شکل نیز ترجمه شود).

(ترجمه)

۱۳۴- گزینه «۱»

(ولی بربری- ابهر)

«إذا قال»: هرگاه بگوید (رد گزینه ۳) / «تُفَرِّقْكُمْ»: شما را پراکنده می‌کند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «يُحَاوِلُ كَالْعَمَلَاءِ»: همچون مزدوران تلاش می‌کند (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «أَنْ يَبْعِدَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ»: شما را از یکدیگر دور کند (رد سایر گزینه‌ها) / «غنه»: از او (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

در گزینه «۴»، «از یکدیگر» مربوط به ترجمه بخش آخر جمله است که در جای اصلی خود به کار برده نشده است.

(ترجمه)

۱۳۵- گزینه «۳»

تشریح سایر گزینه‌ها:

(ولی بربری- ابهر)

گزینه «۱»: «قدرة» نکره است و به صورت (قدرتی) ترجمه می‌شود، در این گزینه «لای نفی جنس» نیز به کار رفته است و باید در ترجمه آن از (هیچ) استفاده شود.

گزینه «۲»: «ذلك بائع» به صورت (آن فروشنده‌ای است که) ترجمه می‌شود، در این گزینه «بضائع» نیز جمع است که مفرد ترجمه شده و نادرست است.

گزینه «۴»: «إنطوى» فعل ماضی است و همراه حرف «قد» به صورت ماضی نقلی (به هم پیچیده شده است) ترجمه می‌شود.

(ترجمه)

۱۳۶- گزینه «۱»

(کلاطم غلامی)

«به نام ...» ترجمه درستی برای فعل «تُسَمَّى»: نامیده می‌شود» نیست. همچنین «فارغ التحصیل می‌شوند» نادرست است، زیرا «تَخْرُجُ» بر وزن «تَفْعَلُ»، یک فعل ماضی از باب تَفَعَّل است و باید به صورت «فارغ التحصیل شدند» ترجمه شود.

(ترجمه)

۱۳۷- گزینه «۳»

(سیره مهیا مؤمنی)

«کاش»: لیت (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «فصل بهار»: فصل الربیع (رد گزینه ۲) / «کشور ما»: بلدنا (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۳۸- گزینه «۲»

(نوبر امسالی)

«صبح یکی از روزهای زمستانی»: صباح أحد الأيام الشتائية (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «علی و جواد یکدیگر را زدند»: (معادل عربی «یکدیگر را زدند» باید از باب تفاعل باشد، بنابراین فعل «تضارب» مناسب‌تر است) تضارب علی و جواد (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «در مدرسه»: فی المدرسة (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۱۳۹- گزینه «۲»

(ولی بربری- ابهر)

با توجه به معنای عبارت (مردم خفته‌اند؛ هرگاه بмирند بیدار می‌شوند) بیت گزینه «۲» به مفهوم آن نزدیک‌تر است.

(مفهوم)

۱۴۰- گزینه «۴»

(سیره مهیا مؤمنی)

«بترجم بشکل الماضی الإستمراری» بسبب وجود «كان» صحیح است. دقت کنید «كان» + فعل مضارع» به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۴۱- گزینه «۳»

(پرویز وغان)

در گزینه «۲»، «لیس له حرف زائد» نادرست است، زیرا فعل داده شده، مزید ثلاثی از باب افعال است: له حرف زائد و من باب افعال (أَنْكِرُ، يُنْكِرُ، إِنْكَار)

(تفلیل صرفی و اعراب)



۱۴۲- گزینه ۲»

در گزینه ۲»، «مضاف‌الیه «نادرست است، زیرا «مَرصُوص» صفت است و «بنیان» نیز موصوف آن است.

(تلیل صرفی و اعراب)

۱۴۳- گزینه ۴»

در گزینه ۴»، «یَتَشَكَّلُونَ» صحیح است. همچنین در عبارت داده شده، «العالم» نادرست است و به جای آن باید «العالم» بیاید. دقت کنید «العالم» به معنی «دانشمند، دانا» است، اما «العالم» به معنی «دنیا» می‌باشد.

(ضبط حرکات)

۱۴۴- گزینه ۳»

متضادها در گزینه ۳»: یَشْتَرِي، يَبِيعُ / الباع، المُشْتَرِي
کلمات متضاد در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: ذَكَر، أُنْثَى

گزینه ۲»: الطَّوِيلَةُ و القَصِيرَةُ

گزینه ۴»: الاجتماع و التفرُّق

(واژگان)

۱۴۵- گزینه ۲»

«تَحَوَّلُ» ← باب تفعیل
*با توجه به «المصاعب» که فاعل است و جمع مکسر غیر انسان، متوجه می‌شویم که فعل «تحوّل» در این جمله از باب تفعیل و صیغه للغائبه است.

(قواعد فعل)

۱۴۶- گزینه ۴»

در این گزینه، «أُنزِلْنَا» و «نَزَلَ» هر دو فعل ماضی هستند: «به حقیقت آن را نازل کردیم و به حقیقت نازل شد.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: از مخاطب بودن فعل‌های «تَعَلَّمُونَ» و «تَعَلَّمُونَ» می‌فهمیم «تَوَاضَعُوا» فعل امر است: «برای کسی که از او یاد می‌گیرید و برای آنکه او را آموزش می‌دهید، فروتنی کنید.»

گزینه ۲»: از معنای عبارت و وجود «یا أهل الكتاب»، می‌توان فهمید که «تَعَالَوْا» فعل امر است: «ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی یکسان میان ما و شما.»

گزینه ۳»: «اصبر» و «استغفر» فعل امر مخاطب هستند: «صبر کن زیرا وعده خداوند حق است و برای گناهت آموزش بخواه.»

(قواعد فعل)

۱۴۷- گزینه ۴»

حرف مشبه «ان» در ابتدای یک جمله جدید استفاده شده است، پس «ان» است و برای ایجاد ارتباط میان دو جمله نیامده است.

(انواع جملات)

۱۴۸- گزینه ۲»

صورت سؤال، خبر حروف مشبهه بالفعل را می‌خواهد که از نظر نوع با بقیه متفاوت باشد. در گزینه ۲»، خبر «لیت» کلمه «فائز» است که یک اسم محسوب می‌شود، این در حالی است که خبر حروف مشبهه بالفعل در سایر گزینه‌ها، به ترتیب: «لا يعرفون»، «قد شفت» و «كنت» است که همگی فعل (جمله) هستند.

(انواع جملات)

۱۴۹- گزینه ۳»

«لا» نفی جنس بر سر یک اسم نکره می‌آید و به صورت «هیچ ... نیست» ترجمه می‌شود. در گزینه ۳»، حرف «لا» بر سر اسم نکره «زهرة» آمده و از نوع نفی جنس است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: «لا» بر سر یک اسم نیامده و نمی‌تواند نفی جنس باشد.

گزینه‌های ۲ و ۴»: «لا» بر سر فعل مضارع آمده و از نوع نفی مضارع است.

(انواع جملات)

۱۵۰- گزینه ۴»

در جای خالی اول، به اسم حروف مشبهه بالفعل نیاز داریم و اسم این حروف باید منصوب باشد؛ بنابراین گزینه‌های ۲» و ۳» رد می‌شوند، چون «المستمعون» مرفوع با (واو) است. در جای خالی دوم، ضمیر متصل به «لکن» باید مفرد مذکر غایب باشد و با «المُتَكَلِّم» و فعل مفرد بعد از آن مطابقت کند؛ بنابراین تنها گزینه ۴» درست است.

(انواع جملات)

عربی زبان قرآن (۲)

۱۵۱- گزینه ۳»

«لا تمشي»: (فعل نهی مخاطب) راه نرو (رد گزینه ۲) / «فی الأرض»: روی زمین / «مرحاً»: شادمانه، با ناز، با خودپسندی / «إن»: قطعاً، بی‌گمان / «لا یحب»: دوست ندارد (رد گزینه ۲) / «کل»: هر (اگر پس از «کل» اسم نکره بیاید، به صورت «هر» ترجمه می‌شود). (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «مختال»: خودپسند (رد گزینه ۲) / «فخور»: فخر فروش

(ترجمه)

۱۵۲- گزینه ۱»

«الاقتصاد»: صرفه‌جویی، صرفه‌جویی کردن (رد گزینه ۴) / «فی استهلاك الماء و الكهرباء»: در مصرف آب و برق (رد گزینه ۳) / «قضية مهمة»: مسئله مهمی، یک مسئله مهم / «لأن»: زیرا، چون / «الآخرین»: آیندگان (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «یحتاجون»: نیاز دارند / «إلهما»: به آن دو / «للتمتع»: برای بهره‌مندی (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «من الحياة الفُضلی»: از زندگی بهتر (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۱۵۳- گزینه ۲»

«تعلّم»: می‌دانند (فعل مضارع است ← رد گزینه ۴) / «الناس»: مردم (رد گزینه ۳) / «أَنْ أَفْضَلَ الْأَصْدِقَاءَ»: که برترین دوستان / «أنفعهم»: سودمندترین‌شان (رد گزینه ۱) / «للاخرین»: برای دیگران (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «اتخذ»: بگیر، برگزین (رد گزینه ۴) / «ألفاً منهم»: هزار تا از آنان (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۵۴- گزینه ۲»

«شعراؤنا الإیرانیون»: شاعران ایرانی ما / «إستفادَ ... كثيراً...»: بسیار استفاده کرده‌اند.

(ترجمه)



عربی زبان قرآن (۱)

۱۶۱- گزینۀ «۲»
(نور امساکي)
«أُنزِلناه»: آن را نازل کردیم (فرو فرستادیم) (رد گزینۀ ۴) / «نزل»: نازل شد (رد گزینۀ‌های ۱ و ۴). دقت شود واژه «پس» در گزینۀ «۳» اضافی است.
(ترجمه)

۱۶۲- گزینۀ «۲»
(امیر رضایی رنپیر)
«حاول»: کوشیدند (رد گزینۀ ۳) / «أَنْ يُعَلِّمُوا»: یاد بدهند (رد گزینۀ‌های ۱ و ۴) / «علی أساس المنطق»: بر اساس منطق (رد گزینۀ ۳؛ این عبارت در جای نامناسبی در ترجمه آمده است.) / «أُكِّدُوا عليه»: بر آن تأکید کردند (رد گزینۀ ۳)
(ترجمه)

۱۶۳- گزینۀ «۳»
(پیروز ویان)
«اللَّيْلَةَ المَاضِيَةَ»: شب گذشته، در شب گذشته / «لَاخِظْتَ»: ملاحظه کردم / «الأَرْضَ مَفْرُوشَةً»: زمین را پوشیده (رد گزینۀ ۴؛ دقت کنید موصوف و صفت نیستند) / «بَعْدَ تَساقُطِها»: بعد بارش آن‌ها (رد گزینۀ ۲) / «مِنَ السَّمَاءِ أَلْتِي»: از آسمانی که / «كَانَتْ مُلْتَمِتَةً»: پُر شده بود (رد گزینۀ ۱) / «مِنَ الغيومِ السُّوداءِ»: از ابرهای سیاه (رد گزینۀ ۲)
(ترجمه)

۱۶۴- گزینۀ «۱»
(نور امساکي)
«أقدام» جمع مکتسر «قدم» است و باید به صورت «پاها» ترجمه شود.
(ترجمه)

۱۶۵- گزینۀ «۳»
(سیرممرعلی مرتضوی)
«همه مردم باید»: (يَجِبُ) على كلِّ النَّاسِ (رد گزینۀ‌های ۱ و ۴) / «با یکدیگر»: مع بعضهم (رد گزینۀ ۴) / «مسالمت‌آمیز همزیستی کنند»: أَنْ يتعاشروا تعاشراً سَلَمِيّاً (رد گزینۀ ۲)
(ترجمه)

۱۶۶- گزینۀ «۳»
(امیر رضایی رنپیر)
بررسی گزینۀ‌های دیگر:
گزینۀ «۱»: ماضی آن بر وزن «أفعل» است، لذا «صَرَ» صحیح نیست.
گزینۀ «۲»: فعل مورد نظر یک حرف زائد دارد، نه دو حرف (توجه داشته باشید برای تعیین تعداد حروف زائد افعال مزید، به صیغۀ اول ماضی آن‌ها توجه می‌کنیم).
گزینۀ «۴»: «الغدوان» مفرد است لذا «للثَّنيَّة» (مثنی) نادرست است.
(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۶۷- گزینۀ «۴»
(امیر رضایی رنپیر)
در گزینۀ «۴»، حرکت «يَتَعَلَّقُ» صحیح نیست؛ زیرا از فعل «تَعَلَّقَ - يَتَعَلَّقُ» و از باب تَفَعَّلْ گرفته شده است.
(ضبط حرکات)

۱۶۸- گزینۀ «۳»
(مرتضی کاظم شیرووری)
«تَعَلَّمُوا»: از باب تَفَعَّلْ و امر مخاطب است و مصدر آن «تَعَلَّمَ» است، نه «تَعَلَّمَ».
توجه: وزن‌های ماضی، مضارع، امر و مصدر دو باب «تَفَعَّلْ» و «تَفَعَّلِ» را به خاطر بسپارید.
(قواعد فعل)

۱۵۵- گزینۀ «۳»
(سیره میا مؤمنی)
«گوینده»: الْمُتَكَلِّم (رد سایر گزینۀ‌ها) / «که عمل کند»: أَنْ يَعْمَلَ (رد سایر گزینۀ‌ها)
(ترجمه)

۱۵۶- گزینۀ «۴»
(سیره میا مؤمنی)
مفهوم مشترک بیت گزینۀ «۴» و صورت سؤال: «تا سختی و محدودیت کاری را تحمل نکنی، نتیجه مثبت آن را نمی‌توانی درک کنی.»
(مفهوم)

۱۵۷- گزینۀ «۱»
(مرتضی کاظم شیرووری)
اسم جمع سالم مذکر در حالت رفع با علامت «ون» می‌آید، بنابراین «المُؤَدَّبُونَ» نادرست است (صحیح: المُؤَدَّبُونَ، نون باید دارای حرکت فتحه باشد). همچنین در اسم جمع سالم مذکر، پیش از «ین» باید حرکت کسره (ب) بیاید، پس «المُعَلِّمِينَ» نادرست است (صحیح: المُعَلِّمِينَ)
(ضبط حرکات)

۱۵۸- گزینۀ «۳»
(سیرممرعلی مرتضوی)
صورت سؤال، اسم مبالغه‌ای را می‌خواهد که دلالت بر فراوانی صفت داشته باشد. در گزینۀ «۳»، «حَنَانَةٌ» (بسیار مهربان) اسم مبالغه است و فراوانی صفت را نیز بیان می‌کند.

در گزینۀ «۱»، «فِتَاةٌ» (در بازکن، نشان‌دهنده یک ابزار و وسیله)، در گزینۀ «۲»، «العَصَاةُ» (آبمیوه‌گیری، نشان‌دهنده یک ابزار و وسیله) و در گزینۀ «۴»، «غَوَاصٌ» (نشان‌دهنده شغل و حرفه) هیچکدام دلالت بر فراوانی صفت ندارند.
(قواعد اسم)

۱۵۹- گزینۀ «۲»
(مرتضی کاظم شیرووری)
دو کلمۀ «خیر» و «شر» علاوه بر این که به معنای «خوبی» و «بدی» هستند، می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند؛ در این صورت، معمولاً بعد از آن حرف جر «مِن» است، یا به صورت «مُضَاف» واقع می‌شوند. توجه داشته باشید که فقط در گزینۀ «۲»، کلمۀ «أَحْسَنُ» مُضَاف واقع شده است؛ پس می‌توان کلمۀ «خیر» را به جای آن آورد: «أَنْتَ خَيْرٌ حَامِلٌ شَهِيدٌ».
(قواعد اسم)

۱۶۰- گزینۀ «۱»
(سیره میا مؤمنی)
در گزینۀ «۱»، فقط اسم فاعل ساخته‌شده از فعل مزید داریم: «المُتَكَلِّم»
بررسی سایر گزینۀ‌ها:
گزینۀ «۲»: «أَمِرٌ» (اسم فاعل از فعل مجرد) و «مُخْلِصِينَ» (اسم فاعل از فعل مزید)
گزینۀ «۳»: «وَاحِدٌ» (اسم فاعل از فعل مجرد) و «المُنْتَشِرَةُ» (اسم فاعل از فعل مزید)
گزینۀ «۴»: «السَّامِعِينَ» (اسم فاعل از فعل مجرد) و «مُجِيبٌ» (اسم فاعل از فعل مزید)
(قواعد اسم)



۱۶۹- گزینه ۳»

(سیدممد علی مرتضوی)

صورت سؤال، فعلی را می‌خواهد که به مفعول نیاز نداشته باشد؛ یعنی باید دنبال فعل لازم (ناگذر) بگردیم. در گزینه «۳»، «انبعث» (فرستاده شد) فعل باب انفعال است و فعل‌های این باب، همیشه لازم هستند.

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «تاجی» و «یسمع» متعدی هستند و به ترتیب «رب» و «صوت» مفعول آن‌ها هستند.

گزینه «۲»: «پریذ» فعل متعدی و «التواصل» مفعول آن است.

گزینه «۴»: «أحدث» فعل متعدی و «إحدى» مفعول آن است.

(قواعد فعل)

۱۷۰- گزینه ۳»

(کتاب آبی)

«تکاتب» فعل مضارع در صیغه مفرد مؤنث غائب از باب «مفاعلة» است که مصدرش «مکاتبه» است. (ترجمه: این دانش آموز با دوستانش در آغاز سال جدید نامه‌نگاری می‌کند.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «تعاشروا» معاشرت کنید، «تعاملوا»: معامله کنید، هر دو فعل امر در صیغه جمع مذكر مخاطب از باب «تفاعل» هستند و مصدرشان «تعاشر» و «تعامل» است.

گزینه «۲»: «تعارفنا»: با یکدیگر آشنا شدیم، فعل ماضی در صیغه متکلم مع‌الغیر از باب «تفاعل» و مصدرش «تعارف» است.

گزینه «۴»: «تعاون»: با همدیگر همکاری می‌کنیم، فعل مضارع در صیغه متکلم مع‌الغیر از باب «تفاعل» و مصدر آن «تعاون» است.

(قواعد فعل)

تاریخ و جغرافیا (۳)

۱۷۱- گزینه ۴»

(زهرا دامپار)

عده‌ای از تاریخ‌نگاران سنتی، بیشتر به ثبت وقایع شاهان و امور آن‌ها همت داشتند. آن‌ها آثار خود را غالباً با خصوصیات ادبی تألیف می‌کردند و در این میان گاه با زبان تملق و مدح شاهان سخن گفته و بیش از آنکه مورخ حقیقت باشند، کاتب دربار بودند. سبک نگارش نیز در بسیاری موارد سخت است و تحلیل و تفسیر، کمتر در این آثار به چشم می‌خورد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه ۲)

۱۷۲- گزینه ۱»

(میلاد هوشیار)

یکی از پیشگامان انتقاد به تملق و متکلف‌نویسی، خاوری شیرازی مورخ مشهور زمان فتحعلی‌شاه و نویسنده تاریخ ذوالقرنین است. او به حقیقت‌نویسی و مختصرنویسی علاقه نشان داد و تملق‌گویی را نکوهش کرد؛ چنان‌که در این‌باره نوشته است: «تاریخ‌نگار را هم لازم است که راست‌گفتاری پیشه کند... فرشته را دیو نخواند و دیو را فرشته نداند...».

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه ۵)

۱۷۳- گزینه ۲»

(میلاد هوشیار)

افغان‌ها به دلیل ناتوانی در تسلط بر تمام قلمرو صفوی و ناآشنایی با اصول کشورداری، نتوانستند حاکمیت مقتدری تشکیل دهند.

(تاریخ (۳)، تاریخ ایران در قرون پدیر و معاصر، صفحه ۱۶)

۱۷۴- گزینه ۳»

(علی‌ممد کریمی)

در دوره کریم‌خان زند هیئت‌هایی از فرانسه و انگلستان برای گرفتن امتیاز و ایجاد مراکز تجاری به ایران آمدند اما چون با او به توافق نرسیدند، گشایشی در روابط صورت نگرفت.

(تاریخ (۳)، تاریخ ایران در قرون پدیر و معاصر، صفحه ۲۱)

۱۷۵- گزینه ۴»

(میلاد هوشیار)

آرامش و ثبات سیاسی نسبی، کاهش مالیات‌ها، دربار کم‌تجمل و تلاش کریم‌خان برای تثبیت قیمت کالاها از جمله عوامل مؤثر در رونق اقتصادی دوره زندیه بود.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانه دوره معاصر، صفحه ۲۲)

۱۷۶- گزینه ۴»

(فاطمه سقایی)

معیار و تعریف شهر کوچک و بزرگ و میزان جمعیت آن در کشورهای مختلف فرق می‌کند. پس از طراحی معیارهای رتبه‌بندی، تعداد شهرها یا روستاهایی که در هر طبقه وجود دارند، در جدول قرار می‌گیرد.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۸)

۱۷۷- گزینه ۲»

(فاطمه سقایی)

در برخی از بخش‌های جهان، در نتیجه گسترش فوق‌العاده زیاد دو یا چند مادرشهر در امتداد مسیرهای ارتباطی و حمل‌ونقل، زنجیره‌ای از مادرشهرها یا کلان‌شهرها پدید آمده‌اند که به آن‌ها مگالاپلیس می‌گویند. برخی، مگالاپلیس را منطقه ابرشهری نامیده‌اند.

به شهرهایی که به‌واسطه نقش مهم آن‌ها در اقتصاد و تجارت جهانی، حوزه نفوذ بسیار وسیعی در سطح جهان دارند، جهان‌شهر گفته می‌شود.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۷۸- گزینه ۴»

(علیرضا رضایی)

در مگالاپلیس، حومه‌ها و شهرک‌های اقماری یک مادرشهر، به حومه‌ها و شهرک‌های مادرشهر دیگر پیوند می‌خورد.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۱۲ و ۱۴)

۱۷۹- گزینه ۱»

(فاطمه سقایی)

در سده نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی اروپا و آمریکای شمالی، به‌دنبال توسعه صنایع کارخانه‌ای مهاجرت از روستاها به شهرها رخ داد. این مهاجرت تدریجی و طولانی‌مدت بوده و همگام با تحولات صنعتی شدن صورت گرفته است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۷)

۱۸۰- گزینه ۳»

(علیرضا رضایی)

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) با افزایش درآمدهای نفتی، تجهیزات و کارخانه‌ها به شهرها تخصیص یافت.
د) انهدام کشاورزی معلول طرح اصلاحات ارضی است.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)



تاریخ و جغرافیا (۱)

۱۸۱- گزینه ۲»

انسان‌های نخستین برای اینکه بتوانند به صورت گروهی به شکار بروند باید به گونه‌ای با هم ارتباط برقرار می‌کردند. به تدریج تا اواخر دوره گردآوری خوراک، توانایی بشر در سخن گفتن و اندیشیدن تکامل یافت و به حدی رسید که هنر نقاشی را برای نشان دادن احساس و اندیشه خود به کار گرفت. (تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۳۲)

۱۸۲- گزینه ۴»

(سیر علیرضا علویان)
یکی از اقدامات شی‌هوانگ‌تی تکمیل دیوار بزرگ چین بود. قسمت‌هایی از این دیوار در زمان فرمانروایان پیش از او برای جلوگیری از هجوم اقوام صحراگرد ساخته شده بودند. (تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۴۷)

۱۸۳- گزینه ۴»

(پواد میربلوکی)
یکی از اقدام‌های مؤثر حکومت هان که به سنتی ماندگار در تاریخ چین تبدیل شد، انتخاب مأموران دولتی بر پایه اصول و تعلیمات کنفوسیوس بود. (تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹)

۱۸۴- گزینه ۲»

(سیر علیرضا علویان)
طایفه‌های بیابانگردی که از دشت‌های اروپای شرقی به شبه‌جزیره یونان آمده بودند تحت تأثیر تمدن مینوسی، شهرهایی را بنا کردند که مهم‌ترین آن‌ها میسن نام داشت. به همین دلیل دوره تمدن یونان را عصر میسنی می‌گویند. (تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۵۱)

۱۸۵- گزینه ۱»

(سیر علیرضا علویان)
برجسته‌ترین دستاورد هنری تمدن روم، در معماری و مجسمه‌سازی تبلور یافت. (تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۵۹)

۱۸۶- گزینه ۱»

(فاطمه سقایی)
محل دقیق هر پدیده یا مکان با توجه به طول و عرض جغرافیایی، موقعیت مطلق یا ریاضی آن مکان است. سایر گزینه‌ها به موقعیت نسبی ایران اشاره دارند. (جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۶)

۱۸۷- گزینه ۲»

(علیرضا رضایی)
مرز مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی هر کشور از کشور همسایه است و نشان می‌دهد سرزمین یک کشور تا کجا امتداد دارد. (جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۱۹)

۱۸۸- گزینه ۴»

(آزاده میرزایی)
الف) منطقه کوهستانی تالش
ب) منطقه کوهستانی البرز
ج) منطقه کوهستانی البرز
د) منطقه کوهستانی تالش
ه) منطقه کوهستانی البرز
(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۲۴)

۱۸۹- گزینه ۴»

بررسی سایر گزینه‌ها:

(زهره دامپار)
گزینه ۱: ارتفاع کوه‌ها در بعضی جاها کمتر و در برخی مناطق بیشتر است.
گزینه ۲: ناهمواری‌های ایران بیشتر طی دوران اول تا سوم زمین‌شناسی پدید آمده است و پیدایش نهایی آن‌ها به اواخر دوران سوم زمین‌شناسی مربوط است.
گزینه ۳: ناهمواری‌ها بعد از دوره کواترن تحت تأثیر عوامل فرسایش تغییر شکل می‌یابد.

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۱۹۰- گزینه ۳»

(علیرضا رضایی)
در استان‌های هرمزگان و جنوب استان سیستان و بلوچستان در فاصله ناهمواری‌های بشارگرد تا دریای عمان، چندین گل‌فشان وجود دارد که همانند چشمه‌های گلی می‌جوشد و معمولاً به شکل گنبدی یا مخروطی‌شکل و در برخی جاها به صورت حوضچه‌های مملو از آب و گل مشاهده می‌شوند. گل‌فشان‌ها به علت خروج گاز یا بخار آب از اعماق زمین به بالا می‌آیند.

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه ۲۹)

تاریخ و جغرافیا (۲)

۱۹۱- گزینه ۲»

بررسی نادرستی سایر عبارات:

(سیر علیرضا علویان)
الف) یثرب از نظر اقتصادی، شهر ثروتمندی به شمار نمی‌رفت.
ج) از لحاظ اعتقادی و دینی، اکثر اعضای قبیله‌های عرب ساکن شهر یثرب بت‌پرست بودند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۳۰ و ۳۱)

۱۹۲- گزینه ۲»

(پواد میربلوکی)
در نتیجه پیمان عقبه دوم، پایگاه امن و مطمئنی برای مسلمانان در یثرب به وجود آمد. به دنبال این پیمان، رسول خدا (ص) به مسلمانان فرمان داد که به یثرب هجرت کنند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۳۳)

۱۹۳- گزینه ۳»

(علی‌ممد کریمی)
پس از پیمان صلح حدیبیه، حضرت محمد (ص) سران امپراتوری‌ها و دولت‌های بزرگ را به اسلام دعوت کرد. مورخان سال نهم هجری را سال وفود یا سال اسلام آوردن قبیله‌ها نامیده‌اند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۳۹)

۱۹۴- گزینه ۱»

(علی‌ممد کریمی)
شیعیان و پیروان امام علی (ع) که به علویان معروف بودند، به همراه موالی، مهم‌ترین گروه مخالفان حکومت اموی را تشکیل می‌دادند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۵۹)

۱۹۵- گزینه ۴»

(علی‌ممد کریمی)
در میان خلفای اموی، عمر بن عبدالعزیز، هشتمین خلیفه این خاندان، شیوه‌ای متفاوت در حکومت پیش گرفت و به کتاب خدا و سنت پیامبر عمل کرد. او دستور داد فتوحات متوقف شود و از نومسلمانان جزیه گرفته نشود. او هم‌چنین دشنام‌گویی و اهانت به امام علی (ع) را که معاویه به اجبار رسم کرده بود منع کرد و فدک را به اهل بیت بازگرداند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۵۹)



۱۹۶- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

در کم فشار، فشار هوا به سمت مرکز ناحیه کم می‌شود. هوا همیشه از جایی که فشار بیشتری وجود دارد به سمت جایی که فشار کمتری دارد جریان می‌یابد و به این ترتیب، باد به وجود می‌آید.

(جغرافیا (۲)، نواهی طبیعی، صفحه ۲۴)

۱۹۷- گزینه «۲»

(فاطمه سقایی)

مناطق خشک مناطقی هستند که کمبود بارش دارند. به‌علاوه، بارندگی در این مناطق نامنظم است؛ به‌طوری که ممکن است چند سال هیچ بارشی صورت نگیرد و یا منطقه به‌طور ناگهانی با رگبارهای کوتاه‌مدت مواجه شود.

(جغرافیا (۲)، نواهی طبیعی، صفحه ۳۲)

۱۹۸- گزینه «۲»

(فاطمه سقایی)

وقتی بارش برف بیش از میزان ذوب آن در سال باشد، برف‌های اضافی طی سالیان دراز انباشته و متراکم می‌شوند و ضخامت آن‌ها افزایش می‌یابد و یخچال‌ها را پدید می‌آورند. معمولاً یخچال وقتی ضخامتش به ۶۰ تا ۱۰۰ متر رسید شروع به حرکت می‌کند.

(جغرافیا (۲)، نواهی طبیعی، صفحه ۴۵)

۱۹۹- گزینه «۴»

(آزاده میرزایی)

الف) کلوت (یاردانگ)

ب) چاله‌های بادی

پ) تپه‌های ماسه‌ای (تلماسه)

(جغرافیا (۲)، نواهی طبیعی، صفحه‌های ۴۷ و ۴۸)

۲۰۰- گزینه «۱»

(علیرضا رضایی)

الف) فرسایش تراکمی

ب) فرسایش کاوشی

ج) فرسایش تراکمی

(جغرافیا (۲)، نواهی طبیعی، صفحه ۵۰)

فلسفه دوازدهم

۲۰۱- گزینه «۴»

(حسن صدری)

وجود و ماهیت دو مفهوم مختلف هستند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) که در ذهن مغایرند و از یکدیگر جدا می‌شوند؛ اما در خارج این دو مصداق واحد دارند و برخلاف آب که از دو جزء مختلف (هیدروژن و اکسیژن) تشکیل شده است، وجود و ماهیت دو جزء خارجی از یک موجود نیستند (رد گزینه ۱). ذهن با نظر به یک موجود واحد، دو مفهوم را انتزاع می‌کند که یکی بیانگر چیستی و دیگری بیانگر هستی آن موجود است.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۲۰۲- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی‌نژاد)

وقتی در تعریف انسان می‌گوییم حیوان متفکر، مفهوم حیوان جزء مشترک مفهوم انسان است و مفهوم ناطق نیز جزء اختصاصی مفهوم انسان، و حیوان متفکر عین مفهوم انسان است (رد گزینه ۱). علاوه بر آن مخلوق و موجود بودن نه جزئی از مفهوم انسان هستند و نه عین مفهوم انسان (رد گزینه‌های ۲ و ۳). «بحث مغایرت وجود و ماهیت».

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۲۰۳- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی‌نژاد)

جسم بودن و مایع بودن ذاتی آب است. پس حمل اولی ذاتی است و نیازمند دلیل نیست.

رد گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: دارای سه زاویه برای مثلث ضروری است، ولی ذاتی نیست می‌توانیم بگوییم مثلث چون سه ضلعی است دارای سه زاویه است.

گزینه «۲»: حمل وجود بر خدا ضروری است، ولی نیازمند دلیل است. می‌دانیم فلاسفه با دلیل وجود خدا را اثبات می‌کنند.

گزینه «۳»: اول بودن برای عدد سه ضروری است، ولی ذاتی نیست؛ پس نیازمند دلیل است.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه ۵)

۲۰۴- گزینه «۲»

(نیم پواهری)

حمل اولی ذاتی حملی است که در آن ذاتیات بر ذات حمل می‌گردند و محمول از زمره مفاهیمی است که بیانگر ذات و ماهیت موضوع است.

به عبارت دیگر تصور موضوع بدون آن محمول ممکن نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: لزوماً بین موضوع و محمول در حمل اولی ذاتی نسبت تساوی برقرار نیست. مثلاً قضیه «انسان حیوان است» حمل اولی ذاتی است.

گزینه «۳»: محمول ممکن است یک مفهوم ذاتی عام باشد که اختصاص به موضوع ندارد؛ مانند حمل مفهوم «شکل» بر «مثلث».

گزینه «۴»: هر قضیه ضروری و وجوبی‌ای حمل اولی ذاتی نیست. برای مثال حمل در قضیه «مثلث دارای سه زاویه است» ضروری است، اما مفهوم «دارای سه زاویه» از ذاتیات مثلث نیست و حمل اولی ذاتی نمی‌باشد.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه ۵)

۲۰۵- گزینه «۴»

(نیم پواهری)

یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن‌سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد.

او همچون ابن‌سینا این نظر را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فراوانی در آنجا شد.

او که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می‌کرد، فلسفه‌ای را در اروپا پایه‌گذاری نمود که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد دیگر فیلسوف مسلمان بود.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۲۰۶- گزینه «۳»

(هسین آفونری راهنمایی)

حمل نامی بر انسان ضروری است ← حمل جسم بر انسان هم ضروری است مابقی حمل‌ها ضروری نیست ← امکانی است.

(فلسفه دوازدهم، میان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)



منطق

۲۱۱- گزینه «۴»

(نیمه پواهری)

مفهوم کلی مفهومی است که می‌توانیم مصادیق مختلف و متعددی برای آن فرض کنیم. حال این مابه‌ازاهای ذهنی ممکن است بی‌نهایت یا محدود باشند؛ ولی مفهومی که حتی در ذهن تنها یک مصداق بتوان برایش یافت جزئی محسوب می‌شود، نه کلی.

(منطق، مفهوم ۳ و مصداق، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۲۱۲- گزینه «۴»

(هسین آفونری راهنمایی)

نسبت مفهوم نامی (رشدکننده) با انسان: عموم و خصوص مطلق
نسبت مفهوم ناطق با موش: تباین

نکته: نسبت چهارگانه بین دو مفهوم کلی برقرار می‌شوند، نه بین مفهوم جزئی با کلی؛ پس آقای سعیدی با انسان و هم‌چنین ایران با تهران، نسبت چهارگانه ندارند.

(منطق، مفهوم ۳ و مصداق، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۲۱۳- گزینه «۳»

(سبا پیغرزاده صابری)

عبارت صورت سؤال اشاره به رابطه عموم و خصوص من‌وجه دارد که در آن هر یک از مفاهیم در برخی از مصادیق با مفهوم دیگر مشترک هستند و برخی دیگر نیز فقط در خود آن مفهوم موجود است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: دو دایره متداخل اشاره به رابطه عموم و خصوص مطلق دارد نه من‌وجه.

گزینه «۲»: مربوط به رابطه عموم و خصوص مطلق است که در آن تمامی مصادیق یک مفهوم در دیگری موجود است.

گزینه «۴»: دو دایره متقاطع با نسبت عموم و خصوص من‌وجه برقرار است.

(منطق، مفهوم ۳ و مصداق، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۲۱۴- گزینه «۲»

(هسن صدری)

بین موارد مطرح شده در گزینه «۲» هیچ نسبتی از نسب چهارگانه مطرح نیست، چون نسبت‌های چهارگانه تنها میان مفاهیم کلی مطرح است، درحالی که «آبشار نیاگارا» مفهومی جزئی است. بین موارد مطرح شده در سایر گزینه‌ها، نسبت عموم و خصوص مطلق مطرح است.

(منطق، مفهوم ۳ و مصداق، صفحه‌های ۲۰ تا ۲۲)

۲۱۵- گزینه «۱»

(نیمه پواهری)

نسبت بین دو مفهوم موجود در صورت سؤال عموم و خصوص من‌وجه است. بعضی مفاهیم کلی هیچ مصداقی در خارج ندارد و بعضی مفاهیم کلی این‌گونه نیستند. بعضی مفاهیمی که در خارج مصداق ندارد، کلی هستند ولی برخی کلی نیستند (مثلاً رستم شاهنامه در عالم خارج مصداق ندارد ولی جزئی است).

در گزینه اول نیز نسبت عموم و خصوص من‌وجه دیده می‌شود. بعضی مفاهیم جزئی یک مصداق در خارج دارند ولی برخی مصداق ندارند (مثل رستم شاهنامه) بعضی مفاهیمی که یک مصداق خارجی دارند، جزئی هستند ولی بعضی کلی هستند (مثل خدا).

۲۰۷- گزینه «۲»

(هسین آفونری راهنمایی)

بین ممکن‌الوجود و ممتنع‌الوجود بالذات ← تباین برقرار است.
بین ممکن‌الوجود و واجب‌الوجود بالغير ← عموم خصوص مطلق برقرار است، زیرا هر واجب‌الوجود بالغير ذاتاً ممکن‌الوجود بالذات است.
(فلسفه دوازدهم، بیان ممکنات، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۲)

۲۰۸- گزینه «۴»

(فرهار قاسمی نژاد)

حمل محمول بر موضوع در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» ضروری است؛ ولی در گزینه «۴» معدوم بودن و یا معدوم نبودن برای انسان امکانی است.
(فلسفه دوازدهم، بیان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۲۰۹- گزینه «۳»

(نیمه پواهری)

مفهومی که در جهان خارج وجود دارد و مابه‌ازای واقعی دارد ممکن است واجب بالذات یا واجب بالغير (با همان ممکن بالذاتی که وجود یافته) باشد. در گزینه‌هایی از تست که قید احتمالاً ذکر شده است؛ پس باید هر گزینه‌ای که بیانگر یکی از این دو دسته است را صحیح بگیریم. گزینه اول درباره واجب بالذات صحیح است و گزینه‌های دوم و چهارم درباره واجب بالغير صحیح هستند.

اما گزینه سوم گفته که ذات آن هیچ‌وقت ممکن نیست نسبت به عدم (یا حتی وجود) امکانی باشد. در حالی که می‌دانیم واجب‌الغير ذاتش همواره ممکن است و ذاتش را اگر در نظر بگیریم همواره نسبت به وجود و عدم امکانی و لا اقتضاء است. پس گزینه سوم در بردارنده عبارت نادرستی می‌باشد.

(فلسفه دوازدهم، بیان ممکنات، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

۲۱۰- گزینه «۳»

(سبا پیغرزاده صابری)

باید به دنبال مفهیمی باشیم که به ترتیب وجود و عدم برایشان ضروری و وجوبی باشد.

قضایای «واجب‌الوجود بالذات موجود است» و «شریک‌الباری (شریک خدا) معدوم است» از جمله قضایای ضروری می‌باشند.

چرا که عقل نسبت به کذب آن‌ها امتناع دارد و صدق‌شان اجتناب‌ناپذیر است.

علت رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: امکانی - امکانی

دقت شود که مفاهیم خیالی مانند دیو سه سر، سیمرغ، کوه طلا، دریای جیوه، سیمرغ و ... با اینکه وجود ندارند اما ممتنع‌الوجود بالذات نیستند بلکه رابطه امکانی با وجود داشته و ممتنع‌الوجود بالغيراند.

گزینه «۲»: امکانی - امتناعی

ذاتی که وجوب یافته دیگر معدوم نیست پس معدوم بودن برای واجب‌الوجود بالغير امتناعی هست و اگر معدوم شود آنگاه ممتنع‌الوجود بالغير می‌شود.

گزینه «۴»: وجوبی - امکانی

(فلسفه دوازدهم، بیان ممکنات، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۲)



بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: برای هر مفهومی جزئی‌ای نمی‌توان مصادیق متعدد فرض کرد و هر مفهومی که نتوان برایش مصادیق متعدد فرض کرد جزئی است. پس نسبت تساوی برقرار است.

گزینه ۳: نسبت تباین برقرار است. زیرا هر مفهوم کلی دست کم در ذهن دارای چند مصداق است نه فاقد آن!

گزینه ۴: نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ زیرا فقط بعضی مفاهیم کلی مصادیق متعدد یا بی‌نهایت در خارج دارند، ولی هر مفهومی که چنین است، مفهوم کلی است.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۰ تا ۲۳)

۲۱۶- گزینه ۱»

(فرهار قاسمی نژاد)

مناسب‌ترین تعریف برای مفاهیم جزئی، تعریف لغوی است.

مثال: کوه دماوند: نام کوهی در شمال شرقی تهران (تعریف لغوی).

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۳)

۲۱۷- گزینه ۱»

(حسن صدیقی)

تعریف «مربع» از آن جهت که به «ریشه» و ساختار لغوی مربع اشاره کرده است، تعریف لفظی یا لغوی است.

تعریف «پیامبر» به دلیل اشاره به مفهوم عام (شخصی برگزیده) و مفهوم خاص (ارائه‌دهنده معجزه)، تعریف مفهومی است و با اشاره به یک مصداق تعریف مصداقی هم انجام داده است. پس یک تعریف ترکیبی به‌شمار می‌رود.

تعریف «مستطیل» به دلیل اشاره به مفهوم عام (شکل) و مفهوم خاص (دارای چهار زاویه)، تعریف مفهومی است. اما این تعریف دارای اشکال است و مانع نیست، زیرا اشکال دیگر غیر از مستطیل را هم در برمی‌گیرد.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۳)

۲۱۸- گزینه ۳»

(نیما پوهاری)

در تعریف اول از آرایه ادبی استعاره استفاده شده است که معنای آشکار و روشنی ندارد. بنابراین تعریف ما فاقد شرط «واضح بودن» است. تعریف دوم نه جامع است نه مانع. هر آزمونی بر مبنای درصد نیست و هر تحلیل داده‌ای آزمون نیست و ممکن است نظرسنجی یا آمارگیری باشد. در تعریف دوم واژه «طلا» با بیان دیگری به صورت «زر» در تعریف تکرار شده است و حتماً این تکرار نیز از مصادیق «دوری بودن» تعریف محسوب می‌شود.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

۲۱۹- گزینه ۳»

(فرهار قاسمی نژاد)

این تعریف شامل لوزی هم می‌شود پس مانع نیست.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۶)

۲۲۰- گزینه ۱»

(نیما پوهاری)

هر فلزی عنصر رسانای الکتریسته است ولی هر رسانای الکتریسته‌ای فلز نیست (بعضی نافلزها مثل گرافیت رسانا هستند). بنابراین تعریف ارائه‌شده «جامع است ولی مانع نیست». به اصطلاح دیگر تعریف ما اعم (عام‌تر) از مفهومی است که قصد تعریفش را داریم ولی اخص (خاص‌تر) نیست و مفهوم مجهول تماماً در دل آن قرار می‌گیرد. بنابراین بین مجهول و تعریف ما نسبت عموم و خصوص مطلق (با عام بودن تعریف) برقرار است.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه ۳۵)

فلسفه یازدهم

۲۲۱- گزینه ۲»

(سبا پعفرزاده صابری)

ما با همین باورها زندگی می‌کنیم و براساس آن‌ها تصمیم می‌گیریم و عمل می‌نماییم. شاید دلایل برخی از این باورها را بدانیم و برای برخی هم دلیلی نداشته باشیم و صرفاً طبق عادت آن‌ها را قبول کرده باشیم. اگر ما اطرافیان خود را زیر نظر بگیریم، می‌توانیم از حرف‌هایی که می‌زنند یا رفتارهایی که دارند، (حیطه عملی) برخی از ریشه‌های فکری آنان را کشف کنیم و بدانیم که آن‌ها چه عقیده و طرز فکری دارند (حیطه نظری). باورها علت و اعمال افراد معلول آن‌ها می‌باشند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: هر یک از ما باورهایی درباره جهان، انسان، مرگ، عدالت، زیبایی و نظایر آن داریم که گاه با باورهای دیگران یکسان است و گاهی هم متفاوت و مختلف (باورها الزاماً خاص افراد نیستند بلکه ممکن است مشترک باشند) گزینه ۳: آزاداندیشی و داشتن شخصیتی مستقل نتیجه و معلول بررسی مبنای باورها است (نه علت آن!)

گزینه ۴: اگر بتوانیم طرز فکرها و عقیده آن‌ها را خوب تحلیل کنیم، می‌توانیم حدس بزنیم که آن‌ها در زندگی خود به دنبال چه اهدافی هستند و زندگی برای آنان چه معنایی دارد. (پس بررسی حرف‌ها و اعمال اطرافیان علت غیرمستقیم برای شناسایی اهداف و معنای زندگی است). علاوه بر آن ما صرفاً حدس می‌زنیم پس علت قطعی نیست.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه ۲۱)

۲۲۲- گزینه ۳»

(سبا پعفرزاده صابری)

فیلسوفان می‌کوشند نمونه‌هایی از مغالطه‌های فلسفی را جهت عبرت گرفتن دیگران، (هدف) نشان دهند؛ چرا که برخی افراد گاهی بدون اینکه دقت کنند، در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته و براساس آن تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند. (دلیل و علت)

نکات مهم درسی:

کلیدواژه «جهت» نشان‌دهنده هدف و کلیدواژه «چراکه» دلالت بر علت دارد. پس به عبارات و جملات پس از آن دقت شود.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۲۲۳- گزینه ۳»

(نیما پوهاری)

فیلسوفان با «کاستن از مغالطات» فهم درستی از حقایق چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادین زندگی ارائه می‌دهند. هیچ‌کس نمی‌تواند کاملاً از مغالطات مصون و مبرا باشد و چنین گفته شود که می‌توان آن‌ها را از بین برد.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۲۲۴- گزینه ۴»

(نیما پوهاری)

استقامت و پایداری متفکران حق طلب و دلسوز، بالاخره مؤثر واقع می‌شود و باطل بودن آن افکار و عقاید، با درخشش حقیقت، به تدریج نمایان می‌گردد و بسیاری از مردم عقاید باطل خود را کنار می‌گذارند و به حقیقت رو می‌آورند.



بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: برخی از افراد گاهی بدون این که دقت کنند، در زندگی خود باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته و براساس آن تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند.

گزینه «۲»: عموم مردم درباره بنیادی‌ترین مسائل فلسفی می‌اندیشند و نظر می‌دهند، اما عموم مردم به ریشه باورهای خود و بررسی دلایل درستی و نادرستی آن‌ها ناائل نمی‌شوند.

گزینه «۳»: در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه افکار و عقایدی را می‌پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۲۲۵- گزینه «۳»

(حسن صدیقی)

فیلسوف واقعی هیچ سخنی را «بدون دلیل» نمی‌پذیرد، یعنی ابتدا فیلسوف درباره استدلال‌ها می‌اندیشد و در صورت درستی آن‌ها، آن سخن را می‌پذیرد، اما ممکن است کاشف این سخن خود فیلسوف نباشد. لزومی ندارد تمام اندیشه‌های یک فیلسوف تازه و نو باشند. وجه تمایز فیلسوف با افراد دیگر این است که فیلسوف بدون تأمل و تعمق در یک سخن و صرفاً به دلیل عادت، آن را درست نمی‌پندارد.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۲۲۶- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

از نظر افلاطون شناخت امری تدریجی است و اگر به صورت ناگهانی با آن مواجه شویم موفق نخواهیم بود.

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)

۲۲۷- گزینه «۴»

(سبا بعفرزاده صابری)

بی‌تردید هر جا که تمدنی شکل گرفته کسانی هم بوده‌اند که درباره اساسی‌ترین مسئله‌های هستی و زندگی بشر می‌اندیشیده و سخن می‌گفته‌اند، گرچه آثار مکتوبی از آنان به ما نرسیده باشد و ما اطلاعی از آن اندیشه‌ها و سخن‌ها نداشته باشیم. پس آگاهی از وجود این اندیشه‌ها لزوماً وابسته به آثار مکتوب نیست و می‌توان بدون وجود آن نیز چنین نتیجه‌ای گرفت.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: این حکیمان اندکی پیش از فیلسوفان دوره یونان باستان و برخی نیز همزمان و پس از آنان می‌زیسته‌اند.

گزینه «۲»: همین قدر می‌دانیم که تمدن‌های قدیم‌تر و ساده‌تر، مقدمه و پلکان شکل‌گیری تمدن‌های جدیدتر بوده‌اند و دستاوردهای آن‌ها به تمدن‌های جدیدتر منتقل شده است.

گزینه «۳»: اطلاعات امروز ما به هیچ وجه نمی‌تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهد؛ ما تنها می‌توانیم براساس آثار باقی‌مانده، گزارشی اجمالی از دورترین اندیشه‌های فلسفی ارائه کنیم، نه از آغاز فلسفه.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۲۹ و ۳۰)

۲۲۸- گزینه «۳»

(هسین آفوندری راهنمایی)

تالس همچون سایر اندیشمندان زمان خود به دنبال تبیین مبدأ دگرگونی‌های طبیعی بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

تاریخ تولد و وفاتش مشخص نیست. / اندیشه از او بر جای مانده اما همه اندیشه‌های او به دست ما نرسیده است.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه ۳۱)

۲۲۹- گزینه «۲»

(هسین آفوندری راهنمایی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این گزاره مربوط به پارمنیدس است.

گزینه «۳»: برعکس گفته آمده است.

گزینه «۴»: فیثاغورس برای اولین بار به کار برد.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۳۱، ۳۲ و ۳۴)

۲۳۰- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

سوفیست‌ها اساساً حقیقت را انکار می‌کردند و به دنبال آن نبودند.

فن سخنوری و مغالطه از منظر سوفیست‌ها ابزاری برای غلبه بر رقیب بود؛ نه رسیدن به حقیقت.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه ۳۴)

منطق

۲۳۱- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

نسبت‌های چهارگانه، نسبت مصادیق دو مفهوم را با یکدیگر مشخص می‌کنند نه نسبت خود مفاهیم را. مثلاً مفهوم «داغ» و «ستاره» را در نظر بگیرید. هر ستاره‌ای داغ است، اما هر داغی ستاره نیست. بنابراین نسبت مفهوم داغ و ستاره عموم و خصوص مطلق است، اما از نظر مفهومی، ستاره نه جزء مفهومی داغ بودن است و نه کل آن را در بر دارد؛ بلکه این دو مفهوم به جز در مصادیق، ربط دیگری به هم ندارند. گزینه «۳» شرط لازم هست اما کافی نیست، چون چه بسا نسبت دو مفهوم تساوی باشد. در آن صورت مفاهیم هیچ مصداق اضافه‌تری از هم ندارند. اما اگر یک مفهوم تمام مصادیق دیگری به علاوه حداقل یک مصداق اضافه‌تر را در بر داشته باشد با قطعیت می‌توان گفت که نسبت آن‌ها عموم و خصوص مطلق است.

(منطق، مفهومی و مصداق، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۲۳۲- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

اگر بین دو مفهوم «الف و ب» رابطه عموم و خصوص مطلق (با عام بودن ب) برقرار باشد، پس «هر الف ب است»؛ اما نمی‌توان گفت «هر ب الف است»، بلکه «بعضی ب الف است» و «بعضی ب الف نیست».

(منطق، مفهومی و مصداق، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۲۳۳- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

مفهوم حیوان با انسان نسبت عموم و خصوص مطلق می‌سازد چون هر انسانی حیوان است، اما بعضی حیوان‌ها انسان نیستند. سقراط یک مفهوم جزئی است چون نام خاص یک شخص به حساب می‌آید؛ بنابراین اصلاً نمی‌توان برای این دو مفهوم نسبتی از نسبت‌های چهارگانه قائل شد. نسبت ساکن آسیا با انسان عموم و خصوص من وجه است؛ چون برخی انسان‌ها



دست کم معنی اسطقس را به خوبی می‌دانست، در آن صورت این تعریف برای او درست می‌بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: این تعریف جامع نیست، چون بقیه انواع مثلث که زوایایی غیر ۶۰ دارند را در بر نمی‌گیرد.

گزینه «۳»: این تعریف مانع نیست، چون علاوه بر حیوانات شامل اجسام دیگری که حرکت می‌کنند نیز می‌شود. مانند ماشین، هواپیما و ...

گزینه «۴»: این دو بیت بیانگر یک تعریف دوری هستند که در آن یک چیز با خودش تعریف می‌شود. به این صورت که فرد می‌گوید چیزی که در کوزه است همان است که من خوردم و آنچه من خوردم همان است که در کوزه است.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۲۰ تا ۲۶)

۲۳۸- گزینه «۲» (کتاب آبی)

از آنجایی که در گزینه «۲» در تعریف تهران، گفته شده «نام» شهری که پایتخت ایران است؛ پس این تعریف ناظر به لفظ تهران است و تعریف لغوی است.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ و ۳۱)

۲۳۹- گزینه «۴» (علیرضا نصیری)

در صورت سؤال گفته شده که تعریف اول جامع است و در مورد مانع بودن یا نبودن آن اطلاعی نداریم. تعریف دوم را نیز می‌دانیم که مانع نیست، اما در مورد جامعیت آن اطلاعی نداریم. گزینه «۱» نمی‌تواند درست باشد چون ممکن است حالتی را متصور شویم که در آن تعریف دوم جامع نباشد، در نتیجه برخی مصادیق تعریف اول - که جامع است - را در بر نگیرد و در همچنین حالتی نسبت بین آن‌ها عموم و خصوص من وجه خواهد بود، در نتیجه با قطعیت نمی‌توان گفت که نسبتشان همواره عموم و خصوص مطلق است. گزینه «۲» نیز نمی‌تواند جواب قطعی باشد؛ چون ممکن است در حالتی رابطه بین این دو تعریف عموم و خصوص مطلق بشود و من وجه نباشد. گزینه «۳» جواب قطعی نیست، چون همچنان این امکان که تعاریف مورد نظر حالتی غیر از نسبت‌های مذکور در گزینه «۳» داشته باشند؛ وجود دارد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که این دو تعریف با توجه به شرایطشان، نسبت‌های متفاوتی با یکدیگر خواهند داشت و نمی‌شود نسبت قطعی برای آن‌ها تعیین کرد.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۶)

۲۴۰- گزینه «۲» (کتاب آبی)

اگر بین مصادیق مفهومی که می‌خواهیم تعریف کنیم و مصادیقی که تعریفمان پوشش می‌دهد رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار باشد تعریفمان جامع است نه مانع. اگر تعریفمان اعم باشد (یعنی دایره بزرگتر تعریف باشد و دایره کوچک‌تر مفهوم تعریف‌شده) و برای این که رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار باشد، تعریف باید حتماً بی‌ربط نباشد. چون در این حالت نسبت مصادیق تباین است.

(منطق، ترکیبی، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳ و ۳۵)

ساکن آسیا هستند و برخی نیستند، از طرفی برخی از ساکنان آسیا انسان هستند و برخی دیگر نیستند (مانند حیوانات دیگر) در نتیجه نسبت آن‌ها عموم و خصوص من وجه است. دست راست انسان نیز یکی اعضای بدن انسان است و نه هیچ دست راستی انسان است و نه هیچ دست راست است در نتیجه رابطه آن‌ها تباین است.

نکته: دست راست در این سؤال با دلالت مطابقی خودش به کار رفته است. دلالت التزامی این عبارت برابر است با وزیر و مشاور. به عنوان مثال منظور از دست راست پادشاه، وزیر یا مشاور یا معتمد او می‌باشد.

رابطه کل با اجزا و زیرمجموعه‌هایش لزوماً عموم و خصوص مطلق نیست.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۰ تا ۲۶)

۲۳۴- گزینه «۱» (نیما بواهری)

مفهومی که مصادیق بی‌نهایت در خارج دارد حتماً کلی است، اما مفهومی که هیچ مصادیقی در خارج ندارد می‌تواند کلی باشد (مانند سیمرغ) یا جزئی باشد (مانند رستم شاهنامه).

بر همین مبنا شاید بگویید که بین آن‌ها عموم و خصوص من وجه برقرار است. اما دقت کنید این دو مورد دو دسته کاملاً جدا و متفاوت از مفاهیم کلی و جزئی را بیان می‌کنند. هیچ مفهومی که بی‌نهایت مصادیق خارجی دارد مفهومی نیست که مصادیق ندارد و بالعکس. پس نسبت تباین برقرار است.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۰ تا ۲۶)

۲۳۵- گزینه «۲» (کتاب آبی)

انطباق بر یک مورد خاص، از ویژگی‌های یک مفهوم جزئی است.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۰ تا ۲۳)

۲۳۶- گزینه «۴» (علیرضا نصیری)

گزینه‌های اول تا سوم همگی تعریفی لفظی از مفاهیم مورد نظر ارائه می‌دهند؛ درحالی که گزینه چهارم تعریفی ترکیبی از مفهومی و مصادیقی ارائه می‌دهد.

توضیح نکات درسی:

هر تعریفی که در آن به حیطة الفاظ مانند، فعل یا مصدر یا اسم بودن مفاهیم پرداخته شد، لزوماً تعریفی لفظی پدید نمی‌آورد. به عنوان مثال در تعریف بالا، کلمه بودن مفهوم مشترک فعل با دیگر موارد است و دلالت بر وقوع حالت یا انجام کاری داشتن در زمان، مفهوم اختصاصی آن است که تعریفی مفهومی پدیدآورده است نه لفظی.

(منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۳)

۲۳۷- گزینه «۱» (علیرضا نصیری)

یکی از شرایط صحیح بودن تعریف، واضح بودن آن است که عدم استفاده از لغات نامأنوس برای مخاطب و پرهیز از استعاره و مجاز و کنایه را شامل می‌شود. بنابراین ما نباید از لغاتی که برای شنونده دشوارترند در تعریف استفاده کنیم. بنابراین تعریف گزینه «۱» برای مخاطبی که هیچ درکی از واژه اسطقس - که معادل یونانی عنصر است - ندارد اشتباه است چون از واژه نامأنوسی در آن استفاده شده؛ اما اگر کسی به زبان یونانی مسلط بود یا

ریاضی و آمار (۳)

(علیرضا عبیدی)

۲۴۵- گزینه «۲»

چون $a_3 = -7$ و $a_4 = -3$ است، پس:

$$d = \frac{-7 - (-3)}{3 - 2} = -4, a_1 = -3 + 4 = 1$$

$$a_4 = a_1 + 3d$$

$$\begin{cases} a_4 = 1 + 3(-4) = 1 - 12 = -11 \\ a_{11} = 1 + 10(-4) = 1 - 40 = -39 \end{cases}$$

$$a_4 + a_{11} = -39 - 11 = -50$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

(امیر محمودیان)

۲۴۶- گزینه «۳»

در دنباله حسابی اگر a و b و c به ترتیب سه جمله متوالی باشند، رابطه $a + c = 2b$ برقرار است. بنابراین:

$$2x + 1 + 3x^2 - 2 = 2 \times 16$$

معادله درجه ۲ را به روش Δ حل می‌کنیم:

$$\Rightarrow 3x^2 + 2x - 33 = 0$$

$$\Delta = 2^2 - 4(3)(-33) = 400 \Rightarrow x = \frac{-2 \pm \sqrt{400}}{6}$$

$$x = \frac{-2 \pm 20}{6} \Rightarrow \begin{cases} x = \frac{-11}{3} \\ x = 3 \end{cases}$$

$x = 3$ قابل قبول است، زیرا $x > 0$ است. با جایگذاری $x = 3$ دنباله به صورت زیر خواهد شد:

$$2 \times 3 + 1, 16, 3 \times 3^2 - 2, y, -2, \dots \Rightarrow 7, 16, 25, y, -2$$

$$\Rightarrow 16 + y - 2 = 25 \times 2 \Rightarrow y = 36$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

(ابوالفضل یواری)

۲۴۷- گزینه «۳»

دنباله‌ها را ادامه می‌دهیم تا به دومین جمله مشترک برسیم:

$$\left. \begin{aligned} -6, -2, 2, 6, 10, 14, 18, 22 \Rightarrow d_1 = 4 \\ 1, 4, 7, 10, 13, 16, 19, 22 \Rightarrow d_2 = 3 \end{aligned} \right\} d_3 (\text{مشترک}) = 22 - 10 = 12$$

جمله پنجاهم دنباله اول را به دست می‌آوریم:

$$a_{50} = a_1 + 49d \Rightarrow -6 + 49(4) = 190$$

حال باید ببینیم چند جمله از دنباله مشترک، کوچکتر یا مساوی ۱۹۰ است:

$$t_n \leq 190 \Rightarrow t_1 + (n-1)d_3 \leq 190 \Rightarrow 10 + (n-1)12 \leq 190$$

$$\Rightarrow 10 + 12n - 12 \leq 190 \Rightarrow 12n \leq 192 \Rightarrow n \leq 16$$

پس ۱۶ جمله دنباله مشترک، کوچکتر یا مساوی ۱۹۰ است.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

(مهمر بگیری)

۲۴۱- گزینه «۲»

$$2y = 4x - 6 \Rightarrow y = 2x - 3$$

شیب خط همان اختلاف مشترک جملات دنباله است. بنابراین: $d = 2$

در این مسئله برای به دست آوردن جمله سوم کافی است در معادله خط

$$\xrightarrow{x=3} y = 2 \times 3 - 3 = 3 \Rightarrow a_3 = 3 \quad \text{قرار دهیم:}$$

$$\Rightarrow d + a_3 = 2 + 3 = 5$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۷)

(امیر زرتدوز)

۲۴۲- گزینه «۲»

با توجه به نمودار داریم:

$$\begin{cases} a_4 = 3 \Rightarrow a_1 + d = 3 \\ a_4 = 9 \Rightarrow a_1 + 3d = 9 \end{cases} \Rightarrow 2d = 6 \Rightarrow d = 3$$

$$\Rightarrow a_5 = a_4 + d = 9 + 3 = 12$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۷)

(رفیع مشتاق‌نظم)

۲۴۳- گزینه «۴»

ابتدا اختلاف مشترک جملات را به دست می‌آوریم:

$$d = \frac{b - a}{n + 1} \Rightarrow d = \frac{1396 - 1300}{5 + 1} = \frac{96}{6} = 16$$

بنابراین اعداد برابرند با:

$$1300, 1316, 1332, 1348, 1364, 1380, 1396$$

از بین ۵ عدد مذکور، عدد بزرگ‌تر برابر است با: ۱۳۸۰.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۷ و ۷۱)

(کوروش شاه‌منصوریان)

۲۴۴- گزینه «۲»

جمله عمومی دنباله حسابی $a_n = a_1 + (n-1)d$ است.

$$a_6 = a_1 + 5d$$

$$a_{10} = a_1 + 9d$$

$$a_6 + a_{10} = 2a_1 + 14d = 2(a_1 + 7d) = 2(a_8)$$

$$11 + 19 = 2(a_8) \Rightarrow a_8 = 15$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فطی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

علوم و فنون ادبی (۳)

(سیرمهمر هاشمی)

۲۵۱- گزینه ۳

نویسندگان آثار صورت سؤال و گزینه ۳، به ترتیب سید علی موسوی گرمارودی، محمدعلی جمالزاده، سیمین دانشور، احمد محمود و سید مهدی شجاعی هستند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «خسی در میقات» اثر جلال آل احمد، «از آسمان سبز» اثر سلمان هراتی و «سفر ششم» اثر علی مؤذنی است.

گزینه ۲: «تنفس صبح» از قیصر امین پور و «سه‌تار» اثر جلال آل احمد است.

گزینه ۴: «آینه‌های ناگهان» از قیصر امین پور است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۴، ۷۷، ۷۸ و ۸۰)

(یاسین مهریان)

۲۵۲- گزینه ۴

زبان شعر این دوره نیز تغییر می‌کند؛ یعنی روح حماسی اشعار دوران مقاومت که با موجی از عرفان آمیخته شده است، موجب تحول و دگرگونی زبان و محتوای شعر می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۷۵ تا ۷۷)

(یاسین مهریان)

۲۵۳- گزینه ۴

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «آی آدم‌ها» را در اولین کنگره نویسندگان و شاعران خواند.

گزینه ۲: «شعر نو تغزلی»، مربوط به دوره دوم است و در دوره سوم، این جریان به مسیر خود ادامه داد و توسط حکومت تقویت شد.

گزینه ۳: «سبب‌شناسی اجتماعی» مربوط به دوره سوم است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

(سیدعلیرضا امیری)

۲۵۴- گزینه ۱

ایهام تناسب: کنار: ۱- پهلو ۲- ساحل که در این معنا با «لنگر» و «کشتی» تناسب دارد.

تشبیه: کشتی عشق

متناقض‌نما: آرامش طوفانی

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و برید، ترکیبی)

(کتاب آبی)

۲۵۵- گزینه ۳

«قلب» در مصراع دوم ایهام دارد: ۱- دل ۲- میانه سپاه

(علوم و فنون ادبی (۳)، برید معنوی، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۱)

(ابوالفضل بهاری)

۲۴۸- گزینه ۴

$$\begin{cases} S_{18} = a_1 + a_2 + a_3 + \dots + a_{17} + a_{18} \\ S_{16} = a_1 + a_2 + a_3 + \dots + a_{16} \end{cases}$$

$$\Rightarrow S_{18} - S_{16} = a_{17} + a_{18}$$

$$\begin{cases} S_8 = a_1 + a_2 + a_3 + \dots + a_7 + a_8 \\ S_6 = a_1 + a_2 + a_3 + \dots + a_5 + a_6 \end{cases}$$

$$\Rightarrow S_8 - S_6 = a_7 + a_8$$

$$\begin{cases} a_{17} + a_{18} = 27 \\ a_7 + a_8 = 12 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} a_1 + 16d + a_1 + 17d = 27 \\ a_1 + 6d + a_1 + 7d = 12 \end{cases}$$

$$\Rightarrow \begin{cases} 2a_1 + 33d = 27 \\ 2a_1 + 13d = 12 \end{cases}$$

$$\begin{cases} 2a_1 + 33d = 27 \\ -2a_1 - 13d = -12 \end{cases}$$

$$20d = 15 \Rightarrow d = \frac{3}{4}$$

اختلاف جمله چهاردهم و دوازدهم:

$$a_{14} - a_{12} \Rightarrow a_1 + 13d - (a_1 + 11d) \Rightarrow 13d - 11d = 2d$$

$$\Rightarrow 2\left(\frac{3}{4}\right) = \frac{6}{4} = \frac{3}{2}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۶۱ تا ۷۲)

(امیر زرنروز)

۲۴۹- گزینه ۳

می‌دانیم جمله عمومی دنباله حسابی، خطی است، یعنی توان n فقط باید $+1$ باشد، ولی الان در ضابطه دنباله n^2 مشاهده می‌کنیم پس برای حذف آن، ضریبش را مساوی صفر قرار می‌دهیم:

$$k-1=0 \Rightarrow k=1 \xrightarrow{\text{نوشتن } a_n} a_n = -3n+1$$

جمله $(k+4)$ ام یعنی جمله ۵ام. لذا به جای n در a_n عدد ۵ را قرار می‌دهیم:

$$a_5 = -3(5) + 1 = -15 + 1 = -14$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

(احمدرضا ذاکرزاده)

۲۵۰- گزینه ۳

برای به دست آوردن جمله پنجم داریم:

$$a_5 = S_5 - S_4 = \frac{2(5)^2 + 5}{5} - \frac{2(4)^2 + 4}{5} = \frac{80 - 52}{5} = \frac{28}{5} = 5 \frac{3}{5}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۶۱ تا ۷۲)



جامعه‌شناسی (۳)

۲۶۱- گزینه «۳»

(کتاب آبی)
وجه مشترک قدرت تنبیهی و قدرت تشویقی این است که در هر دو، پیروی‌کننده نسبت به تبعیت و پیروی خود، آگاهی دارد. موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت فردی است. از جمله ابزارهای اعمال قدرت، قدرت اقناعی است که شامل فکر، آموزش، تبلیغ و ... است.
(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۲۶۲- گزینه «۱»

(آزیتا بیدقی)
در جامعه و زندگی اجتماعی، اعمال قدرت یا تبعیت برخی در برابر خواست و اراده دیگران، اجتناب‌ناپذیر است و بدون آن خیلی از کارها شدنی نیست. هر کنش سیاسی، یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می‌شود یا با هدف حفظ آن. اغلب جهان‌های اجتماعی رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته‌اند. حمایت از مظلومان، دفاع از عدالت، آزادی و ... از ارزش‌های حق‌اند.
(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۲۶۳- گزینه «۱»

(آزیتا بیدقی)
ابزار شناسایی ارزش‌ها ← عقل و وحی
ارتباط مردم و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی ← مسئولیت شناخت و اجرای آن‌ها را دارند.
معنای جمهوری ← مردم خودشان سرنوشت سیاسی خود را تعیین می‌کنند.
معیار تعیین قوانین و مقررات ← خواست مردم و براساس احکام الهی و اسلامی
(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۶۸ و ۶۹)

۲۶۴- گزینه «۳»

(آزیتا بیدقی)
تفاوت در اثر انگشت ← نابرابری طبیعی
تفاوت در محل سکونت ← نابرابری اجتماعی
تفاوت در هوش ← تفاوت رتبه‌ای
نه اجرای عدالت را به دست نامرئی بازار می‌سپارد و نه دخالت همه‌جانبه دولت را می‌پذیرد ← رویکرد طرفداران عدالت اجتماعی
از گذشته تا به حال هیچ جامعه‌ای بدون قشربندی اجتماعی نبوده است و قشربندی پدیده‌ای است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است ← رویکرد طرفداران قشربندی اجتماعی
توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی ← اشتراک جامعه‌شناسی انتقادی و جامعه‌شناسی تفسیری
(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۲، ۷۳، ۷۷ و ۸۲)

۲۵۶- گزینه «۲»

(سیرعلیرضا اهمری)
واژه «بو» تنها در یک معنای «رایحه» به‌کار رفته است و در معنای دوم «امید و آرزو» با هیچ کلمه‌ای تناسب ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: باز: دوباره (معنای مورد نظر) ۲- پرنده شکاری (با شاهین تناسب دارد).

گزینه «۲»: قلب: ۱- دل (معنای مورد نظر) ۲- میانه لشکر (با واژه لشکر، زره‌پوش تناسب دارد).

گزینه «۳»: پروانه: ۱- رخصت و اجازه (معنای مورد نظر) ۲- نوعی حشره (با واژه شمع تناسب دارد).

(علوم و فنون ادبی (۳)، بریع معنوی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۲۵۷- گزینه «۲»

اعراق در ابیات سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سیاه شدن گردون از اشک آتشین شاعر
گزینه «۲»: جاری شدن جوی‌ها بر چهره شاعر از اشک فراوان او
گزینه «۳»: برخاستن موج آتشین و سیل خونین از طوفان اشک شاعر
(علوم و فنون ادبی (۳)، بریع معنوی، صفحه‌های ۸۸ و ۸۹)

۲۵۸- گزینه «۳»

(سیرعلیرضا اهمری)
تبدیل فعلن به فعلن در انتهای مصراع نخست (ابدال) و آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن در ابتدای مصراع اول و بلند بودن هجای پایان هر دو مصراع مشهود است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۲۵۹- گزینه «۴»

(سیرعلیرضا اهمری)
در پایان مصراع نخست بیت گزینه «۴»، فعلن به فعلن تبدیل شده است.
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۶)

۲۶۰- گزینه «۳»

(سیرعلیرضا اهمری)
در هر دو مصراع بیت گزینه «۳»، هجای نخست کوتاه است و وجود اختیاری آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن منتفی است.
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۸۴)



۲۶۵- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

غلبه تفسیر و به حاشیه رفتن رویکرد تبیینی ← پیوند دانش و ارزش طرفداران قشربندی ← تأکید بر کارکردهای قشربندی نابرابری اجتماعی نتیجه روابط سلطه‌جویانه میان انسان‌هاست ← حوزه برابری

تبیین ← کشف و بازخوانی واقعیت‌ها

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۵، ۷۸، ۷۹ و ۸۰)

عربی زبان قرآن (۳)

۲۶۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

«لم أَدْمُ»: (معادل ماضی منفی) پیش نفرستادم، (همراه با اِلَّا) پیش فرستادم (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «رَأَيْتُ»: دیدم (رد گزینه ۴) / «ثَمَرْتَهُ»: نتیجه آن (رد گزینه ۱) / «لَنْ أُنْدِمَ»: پشیمان نخواهم شد (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

(ترجمه)

۲۶۷- گزینه «۳»

(علی مفسن‌زاده)

«كَانَ النَّبِيُّ قَدْ أَنْزَعَجَ»: (معادل ماضی بعید) پیامبر آزرده شده بود، ناراحت شده بود (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «مِنَ الرَّجُلِ الَّذِي»: از مردی که (رد گزینه‌های ۱ و ۲) (در گزینه «۱»، واژه «أَنْ» اضافی است) / «لَمْ يُقْبَلْ أَوْلَادُهُ إِلَّا وَاحِدًا مِنْهُمْ»: مگر یکی از فرزندان را نبوسید (رد سایر گزینه‌ها) (در جمله داده شده، مستثنی منه وجود دارد، پس جمله نباید مانند گزینه‌های ۱ و ۴، به شکل حصر و همراه با «فقط / تنها» ترجمه شود) / «لَمْ يُجَلِّسْ»: ننشاند (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

۲۶۸- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

«لَا تَوْثَرُ»: تأثیر نمی‌گذارد (لا تَوْثَرُ ... إِلَّا إِذَا: فقط زمانی تأثیر می‌گذارد) (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «عَلَى الْإِنْسَانِ»: بر انسان (رد گزینه ۴) / «زَادَتْ مَعْرِفَتَهُ»: شناخت او را زیاد کند (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «فِي الْحَيَاةِ»: در زندگی (رد گزینه ۳) / «قَوَّتَهُ عَلَى الْعَمَلِ»: توانش را بر کار

(ترجمه)

۲۶۹- گزینه «۳»

(علی مفسن‌زاده)

در گزینه «۳»، ضمیر «ها» در ترکیب «قَشْرُهَا» ترجمه نشده است و ترجمه صحیح «قَشْرُهَا صَلْبٌ»، «پوست آن سخت است» می‌باشد.

(ترجمه)

۲۷۰- گزینه «۴»

(علی مفسن‌زاده)

«فَقَطُّ يَكِي..... حَاضِرٌ شَدَّ»: ما حَضَرَ...، إِلَّا وَاحِدًا، مَا حَضَرَتْ.....، إِلَّا وَاحِدَةً (رد گزینه‌های ۲ و ۳) (متن فارسی همراه با «فقط» و به شکل اسلوب حصر آمده، پس در متن عربی دنبال اسلوب حصر باید بگردیم ولی در گزینه‌های «۲» و «۳»، مستثنی منه وجود دارد و جمله معنای حصر ندارد) / «يَكِي» از همکلاسی‌هایم: وَاحِدَةٌ مِنْ زَمِيلَاتِي (رد سایر گزینه‌ها) / «سَالِنِ امْتِحَانَاتِ»: صَالَةٌ الْإِمْتِحَانَاتِ (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۲۷۱- گزینه «۲»

(علی مفسن‌زاده)

شعر فارسی با ترجمه متن عربی (هر چیزی اگر زیاد شود ارزان می‌شود به جز ادب) همخوانی ندارد و مفهوم آن را به درستی بیان نمی‌کند.

(مفهومی)

۲۷۲- گزینه «۱»

(سید مفسرعلی مرتضوی)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سستی: ضعف یا کمی فعالیت در کار! (درست)

گزینه «۲»: تپه: آن چه در دل زمین یا کوه حفر می‌شود! (نادرست)

گزینه «۳»: طعمه (شکار): حیوانی که حیوانات دیگر را شکار می‌کند! (نادرست)

گزینه «۴»: آزمایشگاه (یا آزمایش شده): کسی که به آزمایش علمی برای دستیابی به نتیجه‌ای می‌پردازد! (نادرست)

(واژگان)

۲۷۳- گزینه «۴»

(سید مفسرعلی مرتضوی)

در این گزینه، «قبیله» مستثنی منه است که مفعول و منصوب است. در سایر گزینه‌ها، مستثنی منه (المُخْتَرَعُونَ، النَّاسُ، رَجُلٌ) فاعل و مرفوع است.

(استثنا)

۲۷۴- گزینه «۱»

(علی مفسن‌زاده)

در عبارت گزینه «۱»، مستثنی منه حذف شده است. (ترجمه: همانا خداوند یکتاست و فقط کسی که به آن یکتا بودن خداوند) اعتقاد دارد، در دنیا و آخرت رستگار می‌شود!

مستثنی منه در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: غبار

گزینه «۳»: عملاً

گزینه «۴»: أحد

(استثنا)

۲۷۵- گزینه «۴»

(ولی بریی - ابهر)

هرگاه در عبارت قبل از «إِلَّا» مستثنی منه وجود نداشته باشد، معنای جمله دارای حصر و اختصاص است و جمله با «فقط» ترجمه می‌شود.

در گزینه «۴» مستثنی منه وجود ندارد و جمله نیز منفی است، (به عبارت دیگر، اسم افعال ناقصه ذکر نشده است) بنابراین جمله معنای حصر دارد و با «فقط» ترجمه می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

مستثنی منه در سایر گزینه‌ها عبارت‌اند از: أحد، أولاد، عمل. بنابراین در سه گزینه دیگر حصر نداریم.

(استثنا)



فلسفه دوازدهم

۲۷۶- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

معنی اول عقل، دستگاه تفکر و استدلال است و معنی دوم آن نوعی موجود متعالی و برتر از ماده. معنی اول آن در بین مردم رایج است و آن را به کار می‌برند ولی معنی دوم در بین عوام رایج نیست (رد گزینه ۱). از بین فیلسوفان فقط فیلسوفان الهی به این معنی عقل معتقدند و مثلاً فیلسوفان ماده‌گرا نمی‌توانند به چنین چیزی باور داشته باشند و اساساً اقامه استدلال تجربی برای این عقول غیرممکن است چون محسوس نیستند (رد گزینه ۲). علم عقول مجرد به حقیقت اشیاء، علم شهودیست و آنان حقایق را شهود می‌کنند. شناختی که از طریق عقل به معنای ابزار تفکر و استدلال به دست می‌آید (علم حصولی)، همان علمی نیست که عقول مجرد آن را دارا هستند. علم عقول به صورت حضوری است؛ یعنی حضور معلوم در نزد عالم بدون هیچ واسطه‌ای (رد گزینه ۳). البته اثبات فلسفی عقول مجرد فقط به وسیله عقل که دستگاه استدلال است میسر است، همان‌طور که فیلسوفان مسلمان آن‌ها را اثبات کرده‌اند. (تأیید گزینه ۴)

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

۲۷۷- گزینه «۲»

(علیرضا نصیری)

هراکلیتوس به هر دو معنی عقل توجه داشته است. او درباره حقیقت واحدی به نام لوگوس سخن می‌گوید که هم به معنی یک موجود متعالی و هم به معنی نطق و سخن و کلمه است (رد گزینه‌های ۱ و ۳). از نظر او «کلمه» و «سخن» ظهور و پرتوی عقل متعالی و برتر می‌باشند. در ضمن جهان و اشیاء نیز مظهر آنند (رد گزینه ۴). در نتیجه هم نطق و سخن و هم اشیاء و جهان مظهر آن حقیقت متعالی هستند.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۵۴ و ۵۵)

۲۷۸- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این گزینه صحیح است. عقل فعال با فیض‌رسانی خویش به عقل انسان باعث می‌شود انسان واجد قابلیت درک مفاهیم کلی شود. گزینه «۲»: خداوند عقل اول نیست، بلکه گاهی به او «عقل کل» اطلاق می‌شود. عقل اول، اولین عضو از سلسله عقول و نخستین آفریده خداوند می‌باشد. گزینه «۳»: درست است که عقول حقایق را شهود می‌کنند ولی شهود حقایق مختص آنان نیست. بلکه اگر انسان نیز روح و نفس خود را تهذیب کرده و تعالی بخشد، به درجه شهود خواهد رسید. گزینه «۴»: مدد‌رسانی عقل فعال برای انسان محسوس نیست و به ظاهر نمی‌تواند متوجه آن شود.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه- قسمت دوم، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۶)

۲۷۹- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: طبق گفته ابن سینا، هر کسی که عادت کرده باشد که سخنی را بدون دلیل بپذیرد از کسوت انسانیت خارج شده، نه این که هر کس سخنی را بدون دلیل پذیرفت از انسانیت خارج باشد.

گزینه «۲»: از نظر فیلسوفان مسلمان همه موارد مطرح شده معتبر هستند، ولی هر کدام در محدوده و جایگاه خود. این‌طور نیست که همه روش‌های تفکر در همه موارد معتبر باشند. مثلاً استدلال تجربی در مورد مجردات و موجوداتی که تجربه‌پذیر نیستند، نمی‌تواند حرفی بزند.

گزینه «۳»: بنابر عبارت «نحن ابنا الدلیل» ارزش و پذیرش هر نظر یا مکتبی منوط به دلایل و پشتوانه عقلی آن است. بنابراین پذیرش هیچ آیین و دینی، اگر از دلیل و پشتوانه عقلی برخوردار نباشد، جایز نیست.

گزینه «۴»: عقل انسان استقلال و اصالت دارد و خودش می‌تواند اندیشه و تفکر کند، اما این اندیشه با مدد و فیض‌رسانی عقل فعال که یکی از سلسله عقول است ممکن می‌شود. در واقع طبق متن کتاب عقل فعال قابلیت درک کلیات را برای انسان میسر می‌کند نه این که هر فکر و تفکری از جانب او به انسان القاء شود.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه- قسمت دوم، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

۲۸۰- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

طبق نظر فیلسوفان مسلمان هر انسانی از استعداد تعقل برخوردار است و باید تربیت شود و رشد پیدا کند تا این استعداد به فعلیت برسد. اگر کسی تحت این تربیت قرار نگیرد، عقل در وجود او به اندازه همان استعداد باقی خواهد ماند نه چیزی بیش از آن؛ یعنی حتی ساده و بدیهی‌ترین استدلال‌ها و تفکرات نیز از او ساخته نیست (رد گزینه‌های ۲ و ۳). ولی همچنان نیز استعداد آن را دارد (رد گزینه ۱).

به یاد داشته باشید که خروج عقل از حالت بالقوه به بالفعل به واسطه تربیت و پرورش انجام می‌شود؛ در غیر این صورت عقل در حالت بالقوه و صرفاً یک استعداد و توانایی باقی می‌ماند.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه- قسمت دوم، صفحه ۶۴)


تلاشی در مسیر موفقیت



- دانلود گام به گام تمام دروس ✓
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه ✓
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی ✓
- دانلود نمونه سوالات امتحانی ✓
- مشاوره کنکور ✓
- فیلم های انگیزشی ✓

 www.ToranjBook.Net

 [ToranjBook_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)